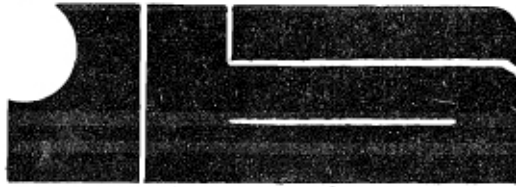


نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم امریکا
وبایگاه داخلش

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه ۳۰ ریال

چهارشنبه ۲۸ مرداد ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۲۳

سرمقاله



اراده کنید، بپاخیزید!

فقای کار

اراین اما بزاده هم معجزه ای ساخته است

دولتی را در قبضه خود گرفته است. اکنون قوای سه گانه، مقننه، مجریه، قضائی در اختیار حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته است. ترکیب کابینه نیز به بارزترین وجهی بیانگر سلطه قطعی حزب بر تمام ارگانها و نهادهاست. حکومتی است. این موفقیت های سیاسی حزب از آن جهت حائز اهمیت است که با حذف لیبرالها از حاکمیت، شکاف عمیقی

بقیه در صفحه ۱۲

با معرفی کابینه با هنر، حزب جمهوری اسلامی به آخرین اهداف و آرزوهای خود در زمینه قبضه تمام ارگانها و نهادها دست یافته است. این پیروسی که حاصل مدتها کشمکش میان دو جناح یوزوازی متوسط، یعنی لیبرالها و کلریکالهاست، برای حزب جمهوری اسلامی موفقیتی بسیار عظیم محسوب میشود و نشان میدهد که حزب بطور قطعی رقیب خود را شکست داده و همه ارگانهای اقتدار

«اگر بازوان نیرومند شما اراده کند، همه چرخها از حرکت باز خواهد ایستاد»

واقعیست است مسلم و تردیدناپذیر که تمام چرخهای صنایع و اساس موجودیت تمدن کنونی بشری با تکیه بر بازوان نیرومند میلیونها کارگر و زحمتکش سرانجام در حرکت است. طبقه کارگر که تاریخ بشریت، برسانت دگرگونیهایی عظیم آفرینده است - اجتماعی و سیاسی عصر ما را بردوش آن نهاده است. تنها نیروی است که قادر است در مبارزه سرنوشت ساز عصر ما بشریت را بسوی پیشرفت و ترقی، سوسیالیسم و صلح و دنیائی فارغ از هرگونه ستم و استثمار رهبری نماید. طبقه کارگر که در راه بکور سپردن -

نظام سرمایه داری و در مبارزه بی امان در راه برانداختن این نظام و بی افکندن نظام نوین سوسیالیستی چیزی جز زنجیرهای اسارت خود را از دست نمیدهد، تنها نیروی است که بیخاطر شرایط مادی زندگی خود، از نظام تنگ نظریها، تزلزلات و نوساناتی که اقتضای وظایف دیگر دارا هستند، مبرا است و تنها نیروی است که قادر است استوار و بولادین چون کوه در برابر تمام دشواریها ایستادگی کند و بشریت را ازین سستی که بر سر بیست نظام سرمایه داری یعنی نظام استثمار ستم، فقر، جنگ و گرسنگی در برابر انسانها قرار داده است نجات دهد. در برابر

بقیه در صفحه ۲

آیت الله خمینی و رویای شاهانه ای بنام ساواک ۳۶ میلیونی

را با تکرار مکرر جمله "اینها چیزی نیستند و چیزی نشده است" بیوفا نندیشگلی کا ملا عربان مردم را به جاسوسی، مراقبت از - همسایه ها و زیر نظر گرفتن اهالی محل دعوت کرده و وقتاً حتماً به جاسوسی رسانیده که مادران و پدران را به لودادن فرزندان آنها به عنوان وظیفه ای شرعی فرا خواند.

بقیه در صفحه ۷

خمینی، با ردیگر در سخنرانی روز ۱۹ مرداد ماه خود توده های مردم را به ساواکی شدن و جاسوسی کردن علیه نیروهای - انقلابی فرا خواند. و بر طبق معمول خواسته های ضد خلقی خود را به لباس فتوای شرعی و حکم الهی آراست. خمینی که سعی داشت وحشت خود از نیروهای انقلابی

«ارگان» سازمانی و نقش آن

مبارزات خود را حول ارگان سازمان نشریه «کار» سازمان دهیم

ان شعبا با زمانی با لاش یافت اما به رشد خود ادامه داد و اینک به جایی رسیده است که میتوان گفت اقتضای روسیعی زنده ها حداقل با نام آن آشناست. و این خود وظیفه سنگینی را بر عهده ما مینهد. اما علاوه بر نشریه که شرایط نوین جامعه، وظایف نوینی بر سر عهده آن نهاده است.

بقیه در صفحه ۵

ارزمانی که نشریه کار متولد شد فراز و نشیب های بسیاری را از سر گذرانید. اما خط مشترکی که در سراسر مدت عمر این نشریه کشیده شده است افزون گشتن روز بروز - اهمیت و نقش آن در جنبش کمونیستی، کارگری و جنبش خلقی ایران است. کار همراه با رشد سازمان رشد کرد، همراه با

در این شماره

● خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

● ارتجاع فرهنگی توکمانی می کند

● جنبش کارگری

● جنبش جهانی

● شعری از سعید سلطانیور

مؤک بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

رفقای کارگر! اراده کنید، پا خیزید!

بقیه از صفحه ۱

اراده بولادین و عزم آهنین پرولتاریا هیچ نیروئی را برای مقاومت و هماوردی نیست. نخستین نبرد بیروزمند کارگران در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ و بیروزیهایی بعدی کارگران در اروپای شرقی، در آسیا و آمریکای لاتین تجربه نشان داد که چگونه پرولتاریا قادر است در راه نجات بشریت، در راه - استقرار سوسیالیسم، در راه جامعه‌ای تپه از هرگونه استثمار،ستم، بردگی و بندگی و در راه ایجاد جامعه‌ای سرشار از خوشحالی، کامیاب و آزاد باشد. ما کارگرانی که امروز قدرت سیاسی را در دست خود گرفته و در حال بنای جامعه نوین هستیم بیروزیهایی خود را طی مبارزات طولانی و اندوختن تجربیاتی که غالباً "بقیمت" گزافی برای آنها تمام شده است، بدست آورده‌اند. و امروز در بحبوحه وضع - بحرانی جامعه‌های نخستین قیامی که کارگران ایران دوشادوش سایر اقشار و طبقات خلق پشت سرگذاشته‌اند، وظیفه‌ای بسیار سنگین و سرنوشت ساز بر دوش کارگران قهرمان ایران فراوان دارد.

رژیم جمهوری اسلامی پس از دو سال و اندی حکومت خود را با معرجه‌های سوسی توحش قرون وسطایی سوق داده است، نیروهای مولدها معرجه را بقیفرا گذاشته است. اقتصاد جامعه را با سوسی تا بودی سوق داده است. فقر، گرسنگی، بیکاری و جنگ را در ابعاد و وحشتناکی گسترش داده است و در عوض رفاه و حتمتکشان جامعه، قطع و استنکی و تا میان حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی بوده‌ها، جامعه را تبدیل بیک ویرانه همراه با بحرانیهای عظیم اجتماعی نموده است. تجربیات کارگران پس از سرنگونی رژیم شاه تا به امروز به آن میا موزده که هیچ نیروئی هیچ شخصیتی جز خود کارگران نمیتوانند نجات بخش آنها باشد و نمیتوانند بسیار سنگین فقر و بدبختی را از دوش کارگران و زحمتکشان میهن ما بردارند و جامعه را از وابستگی به امپریالیسم و فلاتکست موجود نجات بخشد. تمام وعده‌های دروغین و سالوبویی‌های فریبکارانه هیئت حاکمه از جمله خمینی، امروزی‌تر هر کارگزارندگ آنگاه روشن شده است.

کارگران در تجربه و زندگی روزمره خود دریا فتند که پس از نیمه وعده‌های رژیم جمهوری اسلامی، ذره‌ای از با رستم، استثمار زوفقر آنها کاسته نشده است. نظام سرمایه‌داری همچنان با برجاستت کارگران با توسط سرمایه داران - خصوصی به توسط دولت تماماً بندگانی از سرمایه داران استثمار می‌شوند. مسیزد واقعی کارگران در برابر افزایش برتنام و زرقبیت‌ها، کاهش یافته است، برتعداد کارگران بیکار میلیونها تن افزوده شده است. با سدازان مزدور - سرمایه، به همراه ایچمن‌های اسلامی این زواید خرد جمهوری اسلامی، مقارنات - کارگران را در هم می‌کنند. در یک کلام پس از نیمه وعده‌های سالوسانه رژیم

نه تنها ذره‌ای از با رستم استثمار زوفقر کارگران کاسته نشده، بلکه شرایط زندگی آنها حتی نسبت به گذشته نیز دشوارتر شده است.

پس از نیمه فیرماتی و از خودگذشتگی کارگران ایران طی چندسال گذشته، آنها امروز بینه می‌بندند که تمام دست آوردهای مبارزات توده‌های زحمتکش که بقیمت جان و از خودگذشتگی هزاران زحمتکش بدست آمده است، عمره تاخت و ساز و دستبرد رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته است، رژیم حاکم کمربا بودی تمام آزادیها و حقوقی بسته است که خلق قهرمان ایران، در مبارزه علیه دیکتاتور رژیم سلطنتی شاه بدست آورد. و بدشترترین آسیب از این سلب حقوق و آزادیهای سیاسی و برقراری رژیم ترور و فقیان به طبقه کارگروا ردمی آید. زیرا کارگران بمنظور تشکیل و آگاهی خود و انجام رسالت دوران سازخوش پیش از همه به آزادیهای سیاسی نیاز دارند. رژیم جمهوری اسلامی مانند هر رژیم سرمایه‌داری دیگر بیش از همه از تشکیل و آگاهی کارگران وحشت دارد و از مبارزات آنها بر خود می‌یرزد. بی جهت نیست که در سرگوبیهایی وحشیانه اخیر دهها کارگر و روشنگر انقلابی را که ارمانشان راهائی کارگران و زحمتکشان بود، به جوخه عدا میسپرد. هدها کارگرمبارز و پیشرو را از کارخانه‌ها اخراج و زندان افکنده است. حتی یک زندان جداگانه به کارگران اختصاص داده است. اما از این امریک نتیجه بدست میآید و آن اینست که طبقه کارگر ایران بآن مرحله از رشد و تکامل خود رسیده است که رژیم واقعا احساس خطر می‌کند. او بیا دمیاورد مبارزات کارگران قهرمان صنعت نفت را که با اعتصاب بیکار چه خود و صنعتی تا هرگ حیاتی رژیم شاه، حکومت سلطنتی را بسازند و آوردند. رژیم با طرمی آورد، اعتصابات اقتصادی و سیاسی کارگران صنایع ماشین سازی، نساجی، دواب آهن، معادن و مبلهونها را رگری را که با اراده آنها، تمام چرخها از حرکت باز ایستاد. این چنین است که رژیم جمهوری اسلامی بدشترین احساس خطر را از سوی کارگران و مبارزات بی امان آنها می‌کند و بی جهت نیست که کارگران پیشرو، این کارگران آگاه بصناف طبقاتی خود را از کارخانه - ها اخراج و روانه زندان می‌کند. با این خیال خام که با این اعمال وحشیانه با ایجاد محیط رعب و وحشت و برقراری نظام سرکوب و اختناق کارگران را مرغوب سازد و چند روزی دیگر بحیات تنگنانش ادامه دهد. اما غافل است از اینست که خصوصیات طبقاتی کارگران از آنها استا نهائی بولادین و استوار ساخته است که قادرند در برابر هر ارتجاعی ایستادگی کنند و بوزمه مرتجعین را بجاک بمانند. کارگران کاست حساب کسی نیست که با اندک تغییر در شرایط از این صف بآن صف فرار کنند، امروز طرفدار بینی صریحا شد و فردا اریورش ارتجاع

رغم براندازی افند و طرفدار حزب - جمهوری اسلامی و خمینی گردد، طبقه کارگر از این تواناات کاست کارانه خرده بورژواژی دور است. در مقابل همه مرتجعین، همه استثمارگران و سرمایه داران می ایستند و در راه هرگونه جوش و خروش‌های احساسی و یا ترس از سرگوبیه و ددمنشیهایی سرمایه داران و دولت حامی آنها متین و استوار بزمبارزه خود ادامه می‌دهد. تسلیم طلبی و مردود بودن در ذات طبقه کارگر نیست.

کارگران قهرمان میهن ما همواره نشان داده‌اند که برای حفظ دستاوردهای مبارزات توده‌ها و ادامه انقلاب ایستادند و اکنون در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با بحران کنونی قادر نیست بحیثیات سنگینشان ادامه دهد و با شیوه‌های شبیه فاشیستی زمین را برای سرنگونی سریع - تر خود فراهم می‌آورد، با بد استوارتر و با عزم و اراده آهنین پرولتری میماند مبارزه ایستاد و پیش توده‌ها قرار گیرند و با تجربه‌ای که پشت سر گذاشته‌اند، عمیقاً آگاه باشند که هیچ نیروئی جز طبقه کارگر نه قادر است خلق را رهبری کرده، انقلاب را به پیروزی نهائی برساند، و نه میتواند توده‌های بیروح زحمتکشان جامعه عمل بپوشد و جامعه را از فلاتک موجود نجات بخشد.

اکنون در شرایط حساس کنونی بویژه وظیفه‌ای بسیار سنگین بر دوش رفقای کارگر پیشرو قرار دارد: کارگران پیشرو و طبقه داران در مقابل سرگوبیهای رژیم، شورمبارزاتی را علیه هرگونه ستمی در میان رفقای کارگر هم زنجیر خود برانگیزند. آنها را با پیروزی نهائی بصبارزه‌ای جدی علیه رژیم فراخوانند.

رفقای کارگر پیشرو بیا بد لحظه‌ای - از مشکل کردن و آگاه نمودن توده‌های وسیع کارگر غفلت ورزند. بیا بد از کوچک - ترین مسئله‌ای که پیش می‌آید وسیله‌ای برای افشای رژیم، تشکیل کارگران، آگاهی دادن بآنها و ارتقاء مبارزه آنها یافت. بر بخش علامه‌ها و تراکتیهای افشاگرانه، و آگاه‌ها گراندها باریا فزائید.

رفقای کارگر پیشرو و طبقه داران در مقابل موج اخراج، بیا بد داشتت کارگران، مقابلهتها را دهها صدها بار افزایش دهند و توده کارگرا بصقاومت و پشیمانی از رفقای کارگرا اخراجی فراخوانند.

رفقای کارگر پیشرو بیا درک چشم‌انداز اوضاع سیاسی جامعه از هم اکنون بیا بد زمینه اعتصابات گسترده و سراسری را فراهم بکنند و با تشکیل صندوفه‌های اعتصاب، تشکیل کمیته‌های مخفیسی اعتبار در هر کارخانه و هر رشته تولیدی، و از طریق ارتباط با کارگران پیشرو در سایر کارخانه‌ها، خود را برای نبرد نهائی آماده سازند.

رفقای کارگر پیشرو بیا بد لحظه‌ای از مبارزه علیه حاشین به طبقه کارگر مرتدین جناح راست اکثریت و حزب توده که کارگران را به پشیمانی از رژیم ضد انقلابی حاکم فرا میخوانند، غفلت نکنند. بیا بد ما هیئت را بشکارانه و خبیانت - کارانه، این دشمنان طبقه کارگرا به توده‌های کارگرنشان داد.

بقیه در صفحه ۱۸

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اخباری از راه آهن

روز ۵/۱۴ در قسمت نو سازی بیست و یک نفر از کارگران و یکی از افراد وابسته به انجمن اتلانی بر سر مصالح سیاسی برخورد لفظی در گرفته که به زدوخورد می انجامد. کارگران را نیز به پاسداران - مستقر در راه آهن شکایت کرده و آنها را برای دستگیری کارگر مزبور به محوطه کارخانجات میابند. کارگران از بیست و یکم میگردند که در مقابل دستگیری همکار خود دست به مقاومت میزنند. هنگامی که یکی از پاسداران برای دستگیری وی می آید، یکی دیگر از کارگران فالانز به پاسدار نزدیک شده و با نشان دادن یکی دیگر از کارگران میگوید "فلالی نمیگذارد ما کارکنیم و طرفدار ما همدین است". در نتیجه پاسداران دو کارگر مزبور را دستگیر کرده و به کمیته میبرند. کارگران دست به اعتراض زده و تصمیم به مبارزه برای آزادی کارگران در بند میگیرند. تعداد ۹۰ نفر از کارگران با امضای طوماری خواهان آزاد شدن دوستانشان میگردند. اتحادیه مبارزه کارگران به نتیجه رساندند. انجا میبدهد و روز پنجشنبه کارگران زندانی آزاد میگردند. کارگران به تجربه در میانند که نیروی اتحاد دیوالدین و مبارزه بیکر آنان قادر است جلوی زورگویی و تعرض به حقوق آنان را سد سازد. تجربه مبارزه کارگران قسمت نو سازی به تمام کارگران نشان میدهد که اگر در مقابل اقدامات ارتجاعی و ضد مردمگرا تنگ هر نیروی ضد انقلابی به مبارزه برخیزند، بی شک قادر به مقابله و پیروزی خواهند بود.

مبارزه متحدانه کارگران هشتاد و پنج روزه راه آهن به اولین نتایج خود رسید و آنها "ثابت گشتند".

چهارصد نفر کارگران موقت راه آهن تهران از فروردین ماه ۱۳۵۸ سال در مقابل علیزاده مدیریت ضد کارگران راه آهن که قصد داشت قرارداد کاری ضد کارگری را به آنها تحمیل نماید به مبارزه ای - یکپارچه پرداختند. آنها پس از چند ماه مبارزه با اشکال گوناگون و بیگیری کارگران در هفت گذشته موفق شدند که مدیریت عامل سرمایه داری را به عقب - نشینی وادار نموده و تبدیل به کارگران شایسته شوند. در این مبارزه - کارگران را با رها حمایت خویش از آنان تا حد شهیدیه اعصاب اعلام داشته بودند.

هفته گذشته مجمع عمومی شرکت تعاونی مصرف راه آهن برگزار گردید. هیئت مدیره قبلی شرکت تعاونی و مسئولان راه آهن سعی داشتند که بدون در جریان گذاشتن کارگران و سرپرست هیئت مدیره جدیداً انتخاب شود و شرکت تعاونی مانده مال گذشته به کار خویش ادامه دهند. در این انتخابی از اعضای هیئت مدیره به بلان سال ۵۹ راه اطلاع اعضا حاضر در جلسه رسد و سرپرست ارتقا را سرهم نمود. سپس از مخالفان و سوافغان خواسته شد که به صحبت بپردازند. اکثریت آریب به اتفاق کارگران به مخالفت با اعمال شرکت تعاونی پرداخته و به اقتان عملکردهای آن پرداختند. آنها از اینکه شرکت در جهت خواسته های آنها کام بر نداشته و آنها را در جریان امور قرار نداده معترض بودند. یکی از نمایندگان

کارگران بیست و یک نفر از هیئت مدیره و نماینده علیزاده صحبت های افشاگرانه قطعاً ماه ۴ ماده ای را قرائت نمود که مورد پشتیبانی کارگران قرار گرفت. در قطعاً مذکور آمده است که: هیئت مدیره تمام ما از یک نفر است که ازگری باشد. ۲۰ - تمام بازنشستگان باید از شرکت تعاونی اخراج شوند. ۳۰ - توزیع عادلانه کالا بصورت گیرد. ۴۰ - سفته شدن شرکت تعاونی تا انتخاب مجدد هیئت مدیره.

اعضای هیئت مدیره و نماینده علیزاده مدیرعامل مزدور راه آهن، کوشیدند تا مانع بسته شدن شرکت تعاونی گردند اما تمام کارگران، یکپارچه و متحد خواستار بسته شدن تعاونی بمدت ۱۵ تا ۳۰ روز گشتند. تا در ایستگاه کارگران بتوانند نمایندگان واقعی خود را برای هیئت مدیره و بازرسی شرکت تعاونی انتخاب نمایند. این کار مدیگری از سوی کارگران راه آهن برای احقاق حقوق خود مبارزه ای است برای تبدیل شرکت تعاونی به حرکت در جهت خواسته ها و نیازهایشان. هر چند که با بد آنها در مقابل قطعاً (مثلاً ماده ۲) وقت بیشتری نمایند.



جنبش کارگری

وقتش که رسید نشانشان خواهیم داد

تهران - ساعت یازده و نیم بود. کارگری که برادرش را اعدام کرده بودند به کارخانه آمد. از او خواستیم جریان را تعریف کند. او هم با کفاری که در دل تمام کارگران جا می گرفت شروع به صحبت کرد:

من دوبرادر و فیلودارم. روز بعد از بمب گذاری یکی از آنها را که ۱۸ سال بیشتر نداشت گرفتند و کمیته بردند. چند روز آنجا بود. بعد او را یک طویل در جاده بهشت زهرا منتقل کردند. او از آنجا سبزه را به اوین بردند. چند روز پیش خواهر برادرم مشغول کوش دادن به برادرم بود. با شروع اخبار، برادرم حوصله اش سر میبرد. اظا قرآنی میخواند. خواهرم از رادیو می شنید که برادرم را اعدام کرده اند. برادرم را صد میزند و خبر را به او میدهند. او با نا آوری و از زور خشم کشیده بی خواهرم میزند که چرا دروغ میگوئی. در همین زمان دکاندار همسایه ما وارد خانه میشود و خبر را تا شنید میگوید. سپس دو نفری به بزرگ قاضی میرود و جد برادرم را تحویل میگیرند. برادرم تعریف میکند که یکی دیگر از اعدام شده ها را آنقدر شکنجه کرده بودند که سیاه شده بود. کارگران پرسیدند آیا برادرت را هم شکنجه کرده بودند. او گفت: بله، روی پشت او آثار شلاق و سوختگی با ناله های کشتاب بود. هم چنین جای فنداق ننگ نیز روی بدنش زیاد بود. در ضمن وقتی جد برادرم از دو کوش و بیسی او خون آمده بود.

قبایه تمام کارگران ناراحت و غمگین بود. کارگر بیرو خرفتی که بخاطر فرزندانش تمام بیلات "اکثریتی" داشت دوباره پرسید: او را شکنجه هم کرده بودند؟! چهره همه کارگران سیاه و سرگشته و با شمشیر به او خیره شدند. در جواب گفتیم: بله برایتان که شرح دادم سده وضعی داشت. کارگر جوانی که خانهاش حواله و خوش خزانها ترمینال است گفت: شما غمهای خودم با دم رفت. وقتش که رسیدنشان نشان خواهیم داد. او واقعاً "هم مضم بود. آنها را خشم و قهر در چهره بیشتر کارگران پیدا بود.

تحریم انتخابات فرمایشی شورا مشت محکمی بر دهان مزدوران انجمن اسلامی

با شرکت در انتخابات و نوشتن کلمه تحریم بر روی ورقه های رای گیری - مخالفت و مقابله خود را با سیاست انجمن اسلامی اعلام نموده و از این طریق مانع انتخاب کارکنان جدیدی شدند. زیرا در صورتیکه کارکنان در انتخابات شرکت نمی کردند تنها برای کمیته از چند نفر از وابستگان به انجمن ها - کارکنان جدیدی را مورسند انجمن به شورا راه می یافتند اما شرکت کارکنان مانع رسیدن تعداد آنها آنها به حد نام لازم میشد. با آنکه یکی از شرایط کارکنان شدن نامزد شدن و... است. در یک قسمت کلیه کارکنان به یکی از دوستان خود که از اقلیت های مذهبی است رای داده (وی کارکنان جدید شده است) و بدین ترتیب مخالفت خود را با شرایط کارکنان نشان دادند.

با آنکه در بعضی قسمت ها تعدادی نماینده انتخاب شده اند اما در مجموع اغلب قسمت ها انتخابات را تحریم نموده و مانع تشکیل شورای فرمایشی شدند. کارگران آگاه صنایع هواپیمائی مصمم اند تا با ایجاد شرایطی دموکراتیک به مبارزه خود ادامه داده و در جوی آزادی تشکیل شورای انقلابی خویش اقدام نمایند.

بدنیا بورش ددمنشانه و جناحیتار حزب جمهوری اسلامی به آزادیهای سیاسی و سرکوب نموده ها، فرصت مناسبی بدست انجمن های اسلامی افشاده است تا بتوانند در راه جو و حجت و ترور موجود سیاستهای ضد کارگری خویش را در سطح کارخانه ها پیش ببرند. از جمله در صنایع هواپیمائی، انجمن اسلامی از فرصت استفاده نموده و با همدستی شورای فرمانی کوشش نمودند تا انتخاباتی قلابی برگزار کرده و شورای فرمانی به کارکنان شرکت تحمیل نمایند. عکس العمل کارکنان در مقابل این سیاست، تحریم انتخابات شورا بوده است. آنها عملاً با اقداماتی در اغلب قسمتها مانع انتخاب نمایندگان قلابی شدند. انجمن اسلامی با تشکیل هیئت نظارت به قسمتهای مختلف شرکت تا روز ۱۵ مرداد مهلت داد تا نمایندگان خود را برای تشکیل مجمع نمایندگان - انتخاب نمایند. در این رابطه کارکنان

تثبیت ماده ۳۳ قانون کار

قانون کار مصوب سال ۱۳۴۹ و ماده ۳۳ آن یکی از یادگارهای ضدکارگری حکومت شاهنشاهی است که این حکومت نیز کمر به نگهداری و مرمت (!) آن بسته است. ماده ۳۳ به کارفرما اجازه میدهد به هر دلیلی که از نظروی و ما موران وزارت کار موجه است (و در صدر دموکراسی دلیلی موجه بوده اند!) کارگران را از کار برکنار کند. این ماده، همچون کل قانون کار مذکور همواره، چه در رژیم قبل و چه در رژیم حاضر، همچون حربه ای علیه کارگران و بخصوص کارگران مبارز مورد استفاده قرار گرفته است و به همین لحاظ نیز بخش مهمی از مبارزه کارگران علیه این قانون و ماده ۳۳ اخیر بوده است.

لیکن وزارت کار جمهوری اسلامی در برابر آن همه مبارزه کارگری نه تنها گامی در جهت تغییر و یا اصلاح قانون کار نبرد داشته، بلکه اخیراً "به تثبیت آن و منجمله تثبیت مفاد ماده ۳۳ همت گماشته است. با این تصمیم کارگران را به هر دلیلی، همچون گذشته می توان از کار اخراج کرد، مگر آن که عضو شورای اسلامی کارگاه باشند. از ما هیئت ایمن انجمن های (به قول شورای عالی کار: شوراهای) اسلامی همه با خبرند. اعضای اینان نه تنها منتخب کارگران نیستند بلکه عموماً "از ضدکارگرترین عناصر هر کارگاه تشکیل می شوند و در مجموع عملکردی جز در جهت سرکوب و مابوع کردن حقوق کارگران نداشته اند و دقیقاً "به همین مناسبت است که شورای عالی کار چنین تصویب میکند: "اعضای اصلی و علی البدل شوراهای اسلامی کارکنان واحدها... که طبق لایحه قانونی تشکیل شوراهای اسلامی انتخاب شده اند، - همچنین هیات مؤسسان شوراهای... در زمره نمایندگان کارگری تلقی و از ممنوعیت موضوع تبصره ۲ ماده ۳۳ قانون کار بر خوردار می باشند." (نقل از کیهان ۱۸ مرداد ۶۰).

در آغاز بنظر می رسد که هدف شورای عالی کار حمایت از کارگران مبارزی است که علیرغم تصویبات بعضاً در شوراهای گوناگون کارگری راه یافته اند، لیکن سرپرست سازمانهای کارگری وزارت کار، برای رفع هر تنوع شبهه روز بعد از اعلام تصمیم در تثبیت ماده ۳۳، ضمن مباحثه ای اعلام کرد که مقصود از شورا، شوراهای مصوب وزیر نظر وزارت کار است و البته "به طور کلی شوراهای اسلامی کار خانات در کلیت خود مورد تأیید ما هستند" لیکن برای جلوگیری از سوء استفاده "عناصرد انقلابی" بهره مشمول شورای کارگری را به شوراهای ثبت شده در وزارت کار محدود کرده ایم. "این مقام ضمن دفاع از این شوراها می گوید که "تخلیفات شغلی از جانب آنان (که می توانند مستمک ماده ۳۳ قرار گیرند) بسیار نا درخواهد بود. و در نتیجه این اقدام ضدکارگری که دست کارفرمایان را در اخراج تمام کارگران



و بخصوص کارگران مبارز و شوراهای غیر قانونی "باز میگذارد" می گوید که با این کار جلوی اخراج اعضای شوراهای اسلامی توسط "لیبرالها و کارفرمایان" گرفته خواهد شد.

توضیح وی در مورد صفات اعضای شوراهای اسلامی خوبی نشان می دهد که مقصود وزارت کار قوت قانونی بخشیدن به فعالیت های ضدکارگری این عناصر است: "اعتقاد ما این است که انقلاب اسلامی و میثاق جمهوری اسلامی ایران، دارا بودن حسن شهرت و برخورداری از تقوی در دو بعد اخلاقی و سیاسی... به انضمام شرایطی که در قرائن به آنها اشاره شده است.

وی صراحتاً "براز میدارد که چون عده ای از نیروهای انقلابی در شوراهای کارگری "رخته کرده اند، لازم است کارگران به وزارت کار رجوع کنند تا صلاحیت اسلامی شورایشان به تأیید برسد و بتوانند از ممنوعیت اخراج اعضای شورای خود استفاده کنند و سپس اعضای "نامالح" اخراج شوند. (کیهان ۲۰ مرداد ۶۰).

سخن نماینده وزارت کار به قدر کافی روشن است: تثبیت ماده ۳۳ ضدکارگری ۳۳ تا بود کردن شوراهای کارگری و اخراج عناصر مبارز و سایر کارگران از کارگاه ها. احساس قدرت صوری ای که سپس از سرکوبیهای بی نظیر اخیر به مقامات حکومت اسلامی دست داده، به آنان اجازه می دهد که در رویا روشی با جنبش کارگری، البته بی پروا سخن بگویند. اما در عمل این جنبش کارگری است که حرف آخر را خواهد زد.

برقوت برشت درستایش دیالکتیک

بیدادگری امروزه با گام های استوار پیش می آید. ستمگران برای یک دوره هزار ساله خود را آماده میکنند. زور اطمینان می دهد که: "همچین، از همین قرار، می ماند می ماند. و تنها فرما نروایا ننده که صدای خود را بلند میکنند و چنین ندا در می دهد استشاری در باره زار: "این نیست مگر آزار کار". از ستمکشان نیز بسیاری می گویند: "ما هرگز به خواست خود نخواهیم رسید." آن کس که زنده است، سزاوار نیست که به مطمئن نیست اطمینان و هیچ چیز نمی ماند بدینسان پس از آن که حاکمان سخن خود را گفتند نوبت می رسد به محکومان چه جس را برای آن است که بگوید: "هرگز؟"

اگر به ما نندستیم، مسئول کیست؟ ما در هم شکستنش به دست کیست؟ با زهم ما بگذار آن که افتاده بر پا خیزد بگذار آنکه گم شده بیستیزد آن کس که موقعیت خورا شناخته است چگونه بازش میتوان داشت؟ زیرا مغلوبان امروز فاتحان فردا بند و هرگز به امروز بدل می شود!

سائیرالسیم دموکراتیک

بقیه از صفحه ۱۷

شود و فقط کنگره بعدی است که میتواند آنها را تسخیر کند و یا تغییر دهد. انضباط پرولتری حکم کند که کلیه اعضا و فعالین تشکیلات ضمن بحث و بررسی آنها و حتی تدوین نظرات انتقادی خود در مورد آنها، مبارزه درون تشکیلاتی جهت ایجاد زمینه مناسب برای تغییر یا تصحیح و تکمیل آنها در کنگره بعدی (مطابق حقوق اقلیت درون سازمانی و شیوه های لنینی مبارزه درون حزبی) آنها را با جرات آورند. مطمئناً "رهنمود های لنین کبیر و مابا به علم - ل - میتوان ندر آ آموزش و هدایت ما بسیار مورد توجه باشد:

"رهنمودهای کمیته مرکزی معطوف به کل حزب است. درجه محدودی این رهنمودها در رابطه با این مسئله بخصوص لازم الاجرا هستند؟ بطور واضح، درجه راجوب تصمیمات کنگره و درجه راجوب خود مختاری سازمانهای حزبی که توسط کنگره شناخته شده است. "تا کنون (ماست) "انضباط حزبی و نیز علییه سوسال دموکراتیکهای هوادار کادت "پرولتری شماره ۸، ۲۲ - نوا میر ۱۹۰۶، مجموعه آنها را انگلیسی جلد ۱۱ صفحات ۲۲۲ - ۲۲۰"

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

"ارگان" سازمانی و نقش آن

مبارزات خود و احوال ارگان سازمان - نشریه کاد - سازمان دهیم

بقیه از صفحه ۱

اگر در شرایط پیشین مثلاً "شما ه قبل و با فیلتر از آن، بهمراه چاپ و توزیع نشریه کاد و سایر دیگر تبلیغات فیلتر شده شکل کم و بیش وسیع مورد استفاده بود، بساطت ها و دگرگونی ها در هر گوشه و کجای آن زمان را بگوش توده ها می رساند، بلاک ردها بر سر هر چه را از اخبار و وقایع و رویدادها را در وسیعترین شکل بخش میکرد، نظرات - خباثی، بحث ها و جدل ها در هر گوشه و کجای آن و هر مکان عمومی، بخش علنی اعلامیه و... همه و همه در خدمت توضیح، تبلیغ و ترویج - نظرات سازمان قرار داشت. اگر در شرایط پیشین ارتباطات گسترده سازمانی، - جلسات و وسیع ترویجی، تعدد جلسات و نشریات درونی، این امکان را میداد که تحلیل های سازمان تا وسیع ترین پویا به این طریق افشا رها در آن ترویج و تبلیغ گردد اگر روابط گسترده تشکیلاتی امکانات وسیع تمسک گیری و قرارهای متعدد از جهت میدادنا نظریات، تحولات و دستورات - سازمانی به سریعترین صورتی به تمام گوشه های تشکیلات برسد، اینک شرایط متفاوتی پیش روی ماست.

سازمانده را ایفا نماید بدلتین میگوید - کلمات لایکنخت سربا زوسیا ل دمکراسی آلمان را در سر لوجه فعال لیتها بمان قرار میدهم، "یاد دیگر، ترویج کن، سازمانده" و محور بین فعال لیت میتواند با بدقت ارگان حزب باشد" (لنتین - وظیفه مبرم ما - جلد ۴ کلیات).

ارگان نه فقط یک مبلغ، بلکه تغذیه کننده مبلغین سازمانی و سازمانده آستان است. وظیفه ارگان نه فقط تبلیغ، بلکه سازمان دادن آن شکلی از تبلیغ است که مبلغین سازمانی در تمامی نقاط قادر - باشد جدول محوران حرکت نموده، نتایجات خود را سازمان دهند، از سوی دیگر "روز - نام میتواند دوبار بدره براید و لوزیک حزب با تدوین بدقیاق تئوریک دستور العمل های تشکیکی، رهنمودها یا سازماندهی، وظایف عام تمام می حزب را در این با آن لحظه، تحول بخشیده و عرضه کند" (لنتین - نام به یک رفیق) در نظر گرفتن جنبش و وظایفی برای ارگان هیچگاه به معنی کنار نهادن سایر اشکال فعالیت نیست، - سازماندهی نشریه ای که نقش مبلغ، مروج و سازمانده را ایفا کند، هرگز به معنی نقیض ایجاد نشریات دیگر، چاپ و توزیع اعلامیه، نظرات و... نیست، بلکه به این معنی است که "ارگان" نقش هماهنگ کننده، - سازماندهنده و ارائه طریق جهت ایجاد این اشکال فعالیت را ایفا میدهد. در هر صورت در باره لزوم تمرکز همه نیروها و حزب، همه نیروهای ادبی، همه توانا شایسته سازمانی، تمام منابع ما دیو غیره را بی ریزی و هدایت صحیح ارگان کل حزب، ما حتی برای یک لحظه فکری نمیکنیم که با ایجاد اشکال دیگر فعالیت ها ما نتواند تبلیغ محلی، تمام باشد - خیا با نی، تحریم، بازخواست جاسوسان، تبلیغات تند علیه نمایندگان منفرستد سرما به داری و حکومت، اعتمادها یا اعتراضی و غیره بعقب رانده شود، برعکس ما متقاعد شده ایم که همه این اشکال فعالیت را باید فعال لیت حزب را تشکیل میدهد. اما بدون هماهنگ کردن آنها از طریق یک ارگان برای کل حزب این اشکال مبارزات انقلابی ۹/۱۰ (نهمدهم) اهمیت خود را از دست میدهند. آنها به تجربه مشترک حزبی، به با بقاء ادامه کاری حزبی تبدیل نخواهند شد" (لنتین - وظیفه مبرم ما - کلیات جلد ۴) لنتین به روشنی بیان میکند که تا کید بر نقش ارگان سازمانده هیچگاه به معنی نقیض دیگر فعالیتها نیست. مسلم است که ما میتوانیم پویا بدنشریات محلی را سازماندهیم، تنها ماها بمان را در مورد هر مسئله حزبی چاپ و توزیع کنیم، اعتماد یا تکاگری را شکل دهیم، نظرات مردم را سازمانده دهیم، ارتقا، بحشم، ترور سرخ را بکار گیریم و... اما سخن بر سر اینست که بدون نقش هماهنگ کننده ارگان کار این تشکیکها و اشکال مبارزاتی تجزیرا کننده کاری - چیزی نیست، هرگاه تجربیات مجمع عمومی صنعت نفت به سایر کارگران منتقل نگردد، درگاه شیوه های مبارزه کارگران در کارخانه - جات مختلف جمع بندی و ارائه نشود، هرگاه مبارزات فباز میز خلق کرد به سایر

خلفها را ارائه نشود، هرگاه شیوه های تبلیغی بکار گرفته شده در شهرها بی چون تهران و مشهد و شهرهای شمال به سایر نقاط کشور منتقل نگردد، آیا میتوان از جنبشی یکپارچه، سراسری و آزادانه کارهای سازمانی و ارتقا، شیوه های مبارزه سختی به میان آورد. چنین نقشی بردوش ارگان سازمان قرار دارد. انتقال تجربیات ارگان - رهنمودهای سازماندهی، بررسی و ارائه اشکال مختلف تشکیکی و... و بکارگیری تمامی اینها توسط رفقا و هواداران. لنتین میگوید "نقش روزنا مه بهیچ وجه فقط به بخش آنها را، فقط به تربیت سیاسی و جذب همکاران سیاسی محدود نخواهد شد، روزنا مه نه فقط یک مروج دسته جمعی و مبلغ دسته جمعی است، بلکه سازمانده دسته جمعی نیز میباشد. از این نظر میتوان آنرا با چوب بستنی در اطراف عمارت در - حال ساختن مقابله نمود. این چوب بستن طرح عمارت را نشان میدهد و رابطه بین سازندگان مختلف را تسهیل کرده و آنها کمک میکنند که را تقسیم کنند و نتایج عمومی را که بواسطه کار متشکل به دست آمده است از نظر بگذرانند" (لنتین از چه با بدآز کرد؟).

اینک نقش و اهمیت ارگان سازمانی تا حدودی روشن گشت بهتر است بشکل مشخص تری هر یک از وظایف ارگان را بررسی نماییم.

"ارگان" سازمانی و تبلیغ: نشریه ای که ارگان سازمان است نقش محور تبلیغاتی سازمان را ایفا میکند. اما با بدید محور تبلیغاتی سازمانی یعنی چه؟ سازمان - شیوه های تبلیغی متفاوتی را بکار میگیرد، زمانیکه رفیق هوادار در تویوس به توضیح شفاهی موضوع سازمان میپردازد، زمانیکه هسته هوادار در یک روستا خواست دهفان را در مورد ایجاد سفالته یا گازوئیل تراکتور را بکارگیری رهنمودهای سازمان به تفکر و کینه آنان نسبت به رژیم بدل میسازد، زمانیکه نشریه شاخه ای از سازمان مسائل سیاسی محلی را بررسی میکند و دیدگاه سیاسی ما را بزرگان سازمانی توضیح میدهد، آنگاه که با نظرات موضعی شعارهای سازمانی به میان توده ها میرود... همه اینها شیوه های متفاوتی از تبلیغند که هر روز از سوی سازمان و وظیف وسیع هواداران بکار گرفته میشود. اما تمامی این شیوه ها و حتی کاربست هر روزه و سراسری آنها بدون پیوند یکدیگر، بدون داشتن یک محور و خط مشخص، خرده کاری و پراکنده کاری نیست. رهنمود عملی در مورد کاربست هر یک از این شیوه ها از ارگان گرفته می شود، ارگان محور تبلیغاتی سازمان است.

۱- ارگان دستما به تبلیغاتی ما را فراهم میسازد، با مطالعه دقیق ارگان بدرستی بر مواضع سازمان مسلط خواهیم گشت و از اینرو تبلیغاتی ما از تجار ف از خط سازمان صراخ خواهد شد. هرگاه ما اطلاعاتی از مساله دولتی شدن تجارت خارجی و پیوند آن با سودهای کلان تجار رنداشته باشیم، هرگاه

یورش همه جا نشه رژیم به دستا وردهای قبا خلق، با میا زاد ایها سیاسی، حاکم گردانیدن سیاست اختناق و خفقان، برقراری چوتوروا عدم، خانه گردیها وسیع، خیا بندانها و... بیکه از سیاسی قبل فرارسیدن دیری زود آنرا پیش بینی می کردیم. اشکال تبلیغاتی را با تدوین در دستور روز قرار داده است. اینک دیگر امکان بساطت زدن، بخش علنی نشریات و اعلامیه ها گسترش اخبار و تحلیلیها سازمانی که حتی در قبیل حدودی نیز به شکل محلی صورت میگرفت، بلاک ردها و نظرات محدود در اشکال و وسعت قبلی، در اکثر نقاط کشور وجود ندارد. از سوی دیگر برگزاری جلسات - وسیع، تعدد جلسات سیاسی، ارتباط گیری های گسترده و مداوم... و ضرب خطر را با لا میبرد و امکان ضربه پذیری سازمان را افزایش میدهد. از اینرو است که اشکال نوین و محتوای نوینی برای عملکردها ضرورت - شرایط نوین است.

اینجا است که نشریه کاد رسماً ارگان سازمانی است. از پیش نقش خود را میسازد و وظایفی هر چه بیشتر تبلیغ و ترویج - نظریات و تحلیلیها سازمانی و در سازماندهی نیروها را رشد یافته جستن بر عهده اش قرار میگیرد. از اینرو با درک شرایط حاکم توضیح نقش و وظایف ارگان سازمانی و هم چنین وظایف و مسئولیتها و رفقا و هواداران سازمان نسبت به این ارگان را ضروری دانستیم. در این مقاله سعی خواهیم کرد در عین روشن نمودن وظایف ارگان سازمانی و نقش آن در پیشبرد مسئولیتها و وظایف تشکیلاتی، مسئولیتها و وظایف شخصی را که نسبت به ارگان سراسری بر عهده هر یک از اعضا، ارگانهای تشکیلاتی و هواداران است بر شما ریم.

نشریه ای که ارگان یک حزب و بسا سازمان سیاسی است وظایف متعددی و بسی سنگینی بردوش دارد. از نظر لنتین "ارگان" باید بدرستی نقش یک مبلغ، یک مروج و یک

بقیه در صفحه ۸

مبارز ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانستی

یادداشت‌های تاریخی

مقدمت کودتای ۲۸ مرداد (۱)

"فرمانده عملیات کودتای کسه" از سوی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، تحت عنوان "طرح آجاکس" به اجراء آمد، در خاطرات خود گفته است: دولت مصدق را به یاری "روحانیون، ارتش و اوباش برانداختیم". بی گمان، اما، پیروزی کودتا و برقراری مجدد سلطنت، و رفع بحران سلطه امپریالیستی ناشی از مقدمت دیگری هم بود. جرائیروهای انقلابی مقابل نکرده دنیا برای مقابله نداشتند؟ چرا مصدق به کودتا گردن نهاد؟ و چرا توده‌های شهری در وضع ۳۰ تیرهم نبودند و توده‌های روستایی از آن هم بدتر، کودتا را به منزلت امری مقدرا حسان کردند که هم چون زلزله، الهی برده‌هاست و بران نازل شد؟ این‌ها برای "فرمانده عملیات" پرسش‌هایی علی السویه‌اند. در حالی که اگر به تاریخ نگری مبتذل در نخلطیم می‌باید بر همین‌ها انگشت بگذاریم و می‌باید همه تغییراتی را که در تناسب نیروها، بیش از یک دهه، پدید آمده، و در پی آن مقدمت کودتا فراهم شده، ملاحظه کنیم.

ما در رشته مقالات خود، نخست توصیف تاریخی و آنگاه تحلیل شوریک قضیه را بدست می‌دهیم.

بزرگ در ایران بود، دولت آمریکا از طریق قراردادهای نظامی کوشید سلطه خود را در خاور میانه و ایران تحکیم بخشد. از جمله در ۲۵ اسفند ۱۳۲۱، (لا بجه خربند سازوبرگ و نندارگات) به مبلغ ۴ میلیون و پانصد هزار دلار در مجلس سیزدهم تصویب رسید. در ۲۲/۸/۲۴ نخستین قرار داد نظامی مشهور به قرارداد اسعد - دریفوس از مجلس گذشت. با زدر ۱۳۲۲ و در دوران زمانداری ساعد، چندین پیشنه‌ها در اجانب شرکت‌های نفتی انگلیس و آمریکا به ایران ارائه شد. همزمان کمپانی "شل" و "استاندا" را در اختیار خواستار امتیاز نفت در جنوب شرقی ایران شدند. حزب توده به مخالفت برآمد و از طریق دکتر اردمش موضع حزب را "عدم اعطای امتیاز نفت به دولت‌های خارجی" حتی به "دولت شوروی" اعلام داشت. در سال ۱۳۲۲ دولت شوروی درخواست نفت کرد و هیاتی را به ریاست کافتارادزه برای مذاکره به ایران فرستاد. دولت ساعد برای ظفر رفتن از مسئله وعدم درگیری با شرکت‌های رقیب تصمیم گرفت که تا پایان جنگ اعطای امتیاز را مکتوب نگذارد.

اکنون حزب توده به سمت موضعی جدید جهت گیری کرد. ارگان‌های حزبی دست بکار شدند. روزنامه رهبر (شماره ۲۳/۷/۳۱) نوشت: البته ما با امتیازاتی که با این بر است شمارا باشد، مخالفتیم؛ البته از زود داریم "نفت ایران بدست ایرانی" استخراج شود، ولی "می‌بینیم که با این اوضاع و احوال این هیئت حاکمه تا چه اندازه می‌توان این آبدال را به منصفه وقوع نشانید. از این جهت نمیتوان بطور کلی با اصل امتیازات مخالفت داشت، بلکه صحبت در شرایط و اوضاع و احوال آنهاست.

دولت وقت، که در پی شرایط مناسب برای جرخش قطعی در جهت منافع امپریالیسم بود، بر سر تصمیم خود ایستاد. آنگاه حزب توده در هواداری از اعطای امتیاز نفت دست به تظاهرات زد، کسه افرادی ارتش سرخ نیز که هنوز خاک ایران را تخلیه نکرده بودند، در آن شرکت جستند. ابوزیسیون بورژوازی (جناح مصدق) که در عین حال خود را از ساعد کنار میداشت، به این اقدام خرده گرفت. مشی پرولتری که از همبستگی بین‌المللی انقلاب دفاع میکند، می‌باید ما هیئت "خداستعماری" این ابوزیسیون را - افسا میگرد و خود، بیگمرا نه جهت گیری خدا امپریالیستی توده‌ها را از زمان میداد و پیش می‌برد، اما تعارضات، تنها در سطح "لجن براکنی" باقی ماندند و اختلاف بر سر امتیاز توده شوروی برجسته شد. ارگان‌های حزبی (رهبر، شماره ۲۳/۹/۲۳) نوشتند: "دشمنان طبقه کارگر از "پیدا شدن چند سرباز سرخ" میدهند و گمانی که "در سایه سرباز ارتش سرخ به آزادی رسیده‌اند، اکنون از آن - آزادی سوء استفاده میکنند".

حزب توده آغاز می‌کنیم که پیشقراول تشکل‌های سیاسی بود و زود تر و فعلاً کمتر از سایر نیروها به میدان آمد. و چنانکه خواهیم دید، از ۱۳۲۳ (۱۹۴۵)، یعنی از سالی که مسئله اعطای امتیازات نفت از جمله به شوروی طرح شد، تا کودتای ۲۸ مرداد، حزب توده در اخطای سیاست تغییرات و نوسانات سیاست جهانی، هر لحظه موضع و مشی نوینی اتخاذ کرد. (- البته، در اینجا سیاست خارجی شوروی مطمع نظر نخواهد بود، بلکه اشتقاده سیاست حزب توده مطرح است که - انترناسیونالیسم در کردار، یعنی خط مشی پرولتری برای تسخیر انقلابی قدرت در سطح ملی، را به برپا نهاد. (قلم بیزدان آن حزب، در پیشبرد آن سیاست گاه سلطنت طلب و هوادار رقابون اساسی شدند، گاه "حاشی شعالیم اسلام" گشتند گاه از لیبرالیزم اقتصادی و رقابت آزاد دنیا زار نفت گفتگوها کردند، و گاه به پشتیبانی از توسعه غیر سرمایه داری از طریق "بسط مناسبات بازرگانی" و سیاسی با شوروی برآمدند. اگر هم گهگاه و به سالیهای ۱۳۳۰ "حزب طرا ز نوین طبقه کارگر" را به رخ کشیدند، از جهت عوامفریبی کارگران بود و نه در تشریح و تاکتیک پرولتری. چنانکه بعدها کمیته مرکزی از زبان عبدالصمد کامبخش اعتراف داشت: در جنبش نفت، محسزب توده "دچار اشتباهاتی شد که ارتجاع امپریالیسم را برای سرکوب جنبش استفاده نمودند." (نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران، انتشارات حزب توده، ۱۹۵۳، ص ۴۹)

سالیهای ۲۳ - ۱۳۲۲ دوران شدیدی رقابتهای اقتصادی و سیاسی قدرت‌های

هفتم آن ۱۳۲۳، دوروزیسی از - برپای تظاهرات حزب توده، دکتر مصدق از واکنش آن حزب انتقاد کرد: "تظاهراتی که می‌گویند اعطای امتیاز به شرکت‌های تابعه دولت آمریکا - از این لحاظ که آن دولت مجاور ما نیست - خالی از ضرر است، در اشتباه‌اند. تنها عدم مجاورت دلیل نیست که دوران امتیاز به آن دولت یا به شرکت‌های آمریکایی برای ماضرر نکند". در هر حال، "من با دادن امتیاز از نظر اقتصادی و سیاسی مخالفم." (- کارنا هم مصدق، مزدک، ص ۳ - ۲۲)

موضع حزب توده در برابر پیشنه‌ها مصدق در جهت اتحاد سیاست "توازن منفی" در قبالت نفت، دوگام به پیش بود. احسان طبری در "مردم برای روشنفکران" (شماره ۱۹/۸/۲۳) سنگ تمام را گذاشت: - "همانطور که دولت آمریکا میخواهد "مناطق نفوذی" خود را از طریق کمپانی‌های نفت در ایران گسترش دهد، "این سیاست را بین المللی دست به همین اقدام بزنند. اکنون وظیفه دولت ایران چه باید باشد؟ سیاست توازن منفی "و عدم اعطای امتیاز" کلاً "خطاست. دسته‌ای نیز معتقدند که "فقط" با بدبختی از این اردوگاهها امتیاز داد. "این عقیده نسبت به هر طرف که باشد عقیده غلط و خاشنا نه است. "پس چه باید کرد؟ نظریه "دسته‌ای که من شما در آن دسته قرار دارم" این است که "دولت به فوریت برای امتیاز نفت شمال به شوروی و نفت جنوب به کمپانی‌های آمریکا و انگلیسی وارد مذاکره شود. در این مورد با دیدار رقابت ما حبان امتیاز استفاده کرد. "با بهره‌دوار دوگاه را خنود داشت، زیرا "نه همان ترتیب که ما برای انگلستان در ایران منافع ملی فائلیم و بر علیه آن صحبت نمی‌کنیم، باید معتترف باشیم که دولت شوروی هم از لحاظ امنیت خود در ایران منافع جدی دارد. "البته چون دولت شوروی یک کشور استعماری نیست، برقراری این روابط سبب خواهد شد که ما نیز از استثمار رها شویم و از این قراردادها "حدا اعطای استفاده را ببریم. حزب توده معتقد است که "با بددرا ایران دولت به تمام معنی دموکراتیکی بوجود آید. منظور از دولت دموکراتیک این است که با دول جهانی یعنی انگلستان و آمریکا و شوروی روابط واقعا "صمیمانه خود را حفظ کند. "دولت دموکراتیک با بدعا مل سازش و "عامل ادا به ائتلاف این سه قدرت بزرگ در ایران باشد. "هیئت دیوانه‌ای ایران نیست که فقط با شوروی دوستی کنیم، بلکه "ما با نهایت غرور معتقدیم "دوستی با شوروی - یکی از مباحث بنسین دموکراسی و استقلال ایران" است. خاصه وقتی آمریکا و انگلیس هم هر یک سهم خود را از این ائتلاف ببرند.

حزب بر آن بود که با بدد چه زود تر "بسط دولت ساعد را جبران کرد. این یک شوخی نیست، یک تنازع حیاتی است. رهبران حزب در حالی که از اشتراک محتوای قراردادها خودداری - میکردند (ولفوارا رما ملاتی و بازرگانی یکی از اصول پرولتری است)، دولت ساعد را "فاشیت" می‌خواندند، لقبی که بعدها دکتر مصدق هم بدان مفتخر شد. از دیدگاه آنان اتحاد سیاست توازن منفی کسه بقیه در صفحه ۱۱

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا



آیت الله خمینی و رویای شاهانه‌ای بنام ساواک ۳۶ میلیونی

بقیه در صفحه ۱

داداگر رژیم در هر خانه‌ای که نفوذ می کند با شریک و کتک مواجه کرده، هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

یکی از روشهای مناسب برای مقابله با محله گردیها زمانه های ابتدا بی در سطح جوانان محله برای مراقت و خبررسانی است. هرگاه همیشه قبل از آغاز محله گردی تمام محله از این مسأله مطلع گردند، سازمان دادن واکنشی مناسب در مقابل این عمل بسیار ساده تر است. این کار را میتوان به سادگی با زدن زنگ تمام مسی منازل و اطلاع دادن به آنها انجام داد. برای اطلاع یکدیگر در اینجا سا زمانه های ابتدایی میتوان علامت صوتی ساده ای چون سوت بسا دست زدن را بعنوان قرار داد تعیین نمود. از سوی دیگر سلما "این سلسله

تصهیدات رژیم و زجمله فتوای خمینی در ناآگاهترین افشا رتوده ها تا شریکها هند آنها دود عین حال که "حزب الهی" را نیز بشکل فعالتری به صحنه جاسوسی و خبرچینی خواهد کشاند. در این رابطه نیز با یدروشی های زبارا دروسعتترین ابعاد، میتوان وظیفه در میان تمامی توده های هوادار و سمباعت تبلیغ نموده و به عمل درآورد. باید کاراگاهها را در رابطه با وسعتترین توده ها سا زمان داد، باید صد ما هیت سرکوبگرا رژیم، ما هیت عمل ضد خلقی جاسوسان و علت دشمنی رژیم با نیروهای انقلابی را با ساده ترین زبان بیان توده ها توضیح داد. در این رابطه محور تبلیغ ما را مقالات شریکها را و علامیه سا زمان درمورد "جاسوسی به نفخ رژیم..." و "هشداریه

هواداران اکثریت جناح راست تشکیل خواهد داد. باید این مطالب را در تبلیغ شفاهی، بیگلی ملموس برای توده ها توضیح داد، بشکل دستنویس بردیوارها نصب کرد (و این کارهاست که در شرایط فعلی باید توسط هوادار روسیما صورت گیرد) و در این رابطه با بدشعارهایی را بردیوارها، داخل تلفنهای عمومی و اتوبوسها و دیگر محلهای مناسب نوشت. مثلا "جاسوسی برای رژیم، برضد منافع مردم است" "جاسوسان - رژیم از انتقام خلق نسبتا آندنگریزند" "جاسوسی نکنید، در مقابل مردم و انقلاب نایستید" "از سرنوشت ما واکبها عبرت بگیرید"...

در رابطه با بندهای سیاه حزب الهی از سوی بیدشتا سایی دقیقا در مورد محل سکونت، محل کار، همسرو ساعا ت رفعت و آمدو... آنها اتمام داد. در رابطه با این افراد میتوان از تهدید و ارا عاب - بهر طریق - نیز سود جست و این در شرایطی است که بهر دلیل نتوان رهنمود مشخص سا زمانی در رابطه با شیوه برخورد با بندهای سیاه و لزوم ترور سرخا زمان داد.

اما با بد نظر داشت که جهت پای به - های تشکیلات با بندهای سیاه نیز نباید کاراگاهها را غافل ماند، این عمل را میتوان از طرق مختلفی چون نصب دستنویس، نداختن اعلامیه و یا دستنویس درون خانه و... به پیش برد. در عین حال شیوه های دیگری را نیز باید در نظر داشت. برای این درسیستم خا نه گردی رژیم است. برای این بقیه در صفحه ۸

آنچه هست و برانگری، راه بندها، نفتیش بدنی عا بران، زن و کودک با وقیحا نه ترین شکل، نفتیش اتومبیلها، نه یکبار... - دادن کارت عبور...

نطق خمینی مکمل تمامی وقتا حتها بی است که بورژوازیها کمبکا رست تا توده ها را برضد نیروهای انقلابی بسیج کند، سخنرانی رفسنجانیه که شریکها را به کار کرده سا ها نه فرا خواند و گلایه اش از این بود که چرا شریکها را آنچنان کار نمیکند که در زمان کمینه مشترک میگردویا نه و قیحا نه حوزه علمیه قم که خوا ستا رگشتن تمام میخانه ها ست. خلاصه کلام نطق خمینی مکملی است بر تمام می ترقتده ها و شیوه های بی که بورژوازیها کمبجهت به نای بودی گنا نیدن انقلاب ویر قرار می "نظم" سیاه خودبکا رگرفته است.

اما بهر رویا بدبه بررسی بیامدها و با زتاب ها فتوای خمینی - با در حقیقت به بررسی این مرحله زنا کتیکها ی سرکوب گرا نه رژیم که نطق خمینی نیز گونه ای از آنرا میسازد. و شیوه های مقابله با آن سیرد رژیم. این بررسی بخصوص در زمینه شیوه های مقابله نه ضرورتا "به معنی تکرار تمام می تا کتیکها یما در این مرحله، بلکه به معنی تخراب روشها ی است که باید در وسیعترین شکل و توسط وسیعترین توده ها بی که فا در به حرکت درآوردن آنها میم، بکا رگرفته شود.

مسلم است که نطق خمینی بعنوان فتوای شروع و مرهبر به تشدید حرکتها ی سیاسی رژیم و زجمله شدت با فتن خا نه گردیها و گشتن اتومبیلها، عا برین و کنترل موتورها

خواهد انجام مید. در این میان زسوسی با بدشتا بیرا منیتی را به شدیدترین صورت بکا رست. از هرگونه رفت و آمد و متقل و - انتقال را زاندا بدبشتا جنتا بگردواز سوی دیگر چنین موا قعی پیدا بیرویزه ای از نظر محمل و جا سا زنی تشدید. اما این فقط یک طرف مسأله است از سوی دیگر باید دروسعتترین شکل ممکن حرکت جمعی و اعتراضات در مقابل این اعمال را که سلب یکی از ابتدائیترین حقوق توده ها ست سا زمان داد.

در این مورد میتوان از ابتدایی ترین اشکال اعتراضی چون بوق زدن در راه بندها و هاتشویق مردم به جمع شدن و اعتراض نمودن، انتقال و گسترش وسیع اخبار خا نه گردیها و نفتیش ها ی بدست در میان توده ها و برانگیختن حالت اعتراضی آنان برضد این عمل سرکوبگرا نه رژیم آغاز نمود. در شرایط مسا عد میتوان در هنگام محله گردی اعتراضات جمعی سازمان داد و بعنوان مثال مردم را به تجمع در خیابان و بازنگردن در منازل شویق کرد. این حرکات در گسترش خود میتواند به اشکال اعتراضی سا زمانه نیا فته تسمرو وسیعتر تبدیل گردد. باید به توده ها توضیح داد که امنیت محل سکونت و حق نگهداری نشریات، اعلامیه ها و کتب از ابتدائی ترین حقوق آنها ست. با این عمل باید سعی کنیم تا هراس ایجاد شده از نگهداری نشریه و کتبا و اعلامیه در منازل را از ذهن مردم بزداییم و آنان را به دفاع از این حق خود ترغیب کنیم. باید به توده ها توضیح

همواره فتوایهای خمینی بعنوان آخرین حربه توسط رژیم بکا رگرفته میشود و این بنا بر نیز چنین بود. فتوای زما نی ما در شد که رژیم تمام می نیرو و توان خود را جهت سرکوب و شتابانی نیروهای انقلابی آزمو ده بود. رژیم در عین حال و حشیانه خیر خود از تمام می حربه ها و ونیرنگها سود برد. بسیج تمام می نیروهای سیاه و "بسیج" بعنوان عمده ترین ارکان سرکوب توده ها، خا نه - گردیها ی وسیع، خیابان بندها و گشتن اتومبیلها و عا برین، با زسای و وسعت بخشیدن ستا دا منیت، سا و اما و تیمهای شعیب و مراقت، بکا رگیری تیمسارهای آریا مهری (چون فردوست) و سا واکبها ی کار گشته، بکا ر بستن حزب الله با همان با ندهای فالانژ مزدور رژیم جهت جاسوسی و شناسانی، چاپ و نشر وقیحا نه جزوات و تجربیات ضد خلقی سا واک در روزنا مه ها (تحت عنوان مقالاتی چون چگونه خا نه های تیمسارها سا نی کنیم...) فتا ر وسیع و همه جا نه بیزارگنا نهی دیگر سرکوب که بیعت از همپا شیدگی جو ضرژی می جا کم در - آنها و بیعت همستگی نسبی با به های آن انقلابی حرکت چندانی نمیتوانند و از آنجمله موجشا ر همه جا نه جهت بکا رگیری وسیع شریکها ی... همه و همه سیری بود که رژیم جهت سا زمان دادن سرکوب نهایی طی کرد. رهی مسأله که رژیم بکا رگرفته آنرا بیامود، و در نهایت نیز فتوای "پیشوا" مکمل تمامی وقاحتها، بیورشها، سرکوبها و وحشیگریها گشت.

اینک رژیم آخرین مهره های خود را به میدان کشیده و با تمام نیرو در داخل جنگ گشته است اینک ارگانهای سرکوب نا آنجا که میشد صیقل یافته و بکا رگرفته شده، اینک بوقهای تبلیغاتی رژیم شب و روز دست اندر کار رند تا آخرین نیروهای متزلزل را نیز بیاری بگیرند. و برانقلاب بشورا تند. اینک مدعا انقلاب جا کم که در آنور شد انقلاب هر چه متمرکز تر و منجم تر گشته بیورشی تبا یی جان - بورش مرگ و زندگی را سا زمان داده است، و خمینی نیز با ردیگر طنا ب مذهب را می کشد تا بقا قاری از خلق را به این طریق به مسلخ انقلاب رهنمون کرده، تا شاید عده ای را با پای خود بسه مسلخ آورد.

رژیم حرکات عصبی و حشیانه خود را - مدت ها ست سا زمان داده است و نطق خمینی بعنوان آخرین برگ است که در این بازی رومبکند. نطق خمینی مکملی است بر تمامی اعدا میهای انجام شده، اعدا میهای که در - تا ر بخر رژیمها ی ضد خلقی کمتر نمونه های آن دیده میشود. کودک، نوجوان، بن حمله، زخمی، مریض، بدون بستن، در حال دویدن، بسا چشمان بسته و بدون تیر خلاص... نطق خمینی مکمل تمام می اعمال وقیحا نه ای است که شاید نظا بر آنرا فقط بتوان پس از وحشیانه ترین و خونبارترین کودتا ها ی نظامی یافت. بیورش شیا نه به منازل، محلات، شب تا صبح، شکستن درها، بهم ریختن وسایل و جنیگری، ضرب و شتم، دستگیری بیخا طریک نشریه، بیخا طریک پوستر، بیخا طرور زنا مه انقلاب اسلامی! تا راج، به بیغما بردن هم

تور، شکنجه، زندان حربه غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان

ارگان "سازمانی و نقش آن

مبارزات خود را... بقیه از صفحه ۵

ندا نیم بندج "جست و نقش اقتصادی - سیاسی آن کدا مست، هرکادیا ما هیست عملکردهای خمینی آشنا نیاشیم، نمویهای مشخص حرکت رژیم در جهت منافع امپریالیستها را ندانیم، و... نخواهیم توانست بخوبی تبلیغ خود را به پیش بریم. از سوی دیگر مقالات متعددا ارگان و اخبار مندرجه در آن ما را در تنوع بخشیدن به تبلیغات خود و خارج شدن از محدوده کلی گوییهای ری می کند و باعث میشود برای هر سخن خود چند نمونه و مدرک و بنا هدکه مسلما "از محدوده وقایع و تکرش محلی ما بسیار فراتر است اراشه دهیم.

این روشن است که هیچ رفیق، هیچ هسته ای و هیچ یک از نهادها و تشکیلاتی به تنهایی قادر نخواهند بود یا از محدوده اطلاعات محلی خود بیرون نهند، و از اینروست که عدم درک صحیح نقش ارگان و محور قرار ندادن آن میتواند منتهی به محدودیت تبلیغ سیاسی و اسپرکشن در محدوده تنگ محلی بیانجامد. تنها با قرار دادن ارگان - بصورت محور تبلیغی است که میتوان با دیدی همه جا نیده و گسترده و با آشنا شی بسیار می رزات سرا سری نموده ها تبلیغ را از ما دا دودر همین رابطه نیز به بیرون هر چه بیشتر می رزات نموده ها یاری رسانید.

۲- ارگان، عمدگی سوز تبلیغ ما را روشن می سازد، یکی دیگر از وجوهی که ارگان را بعنوان "مبلغ دسته جمعی و محور تبلیغات سازمان درمی آورد روشن ساختن خط تبلیغ است. در هر مقطع زمانی ممکن است مسائل متعددی سوز تبلیغ ما باشد اما همواره نوک نیز جمله نیروی نیروی هدف مشخصی است. ارگان جهت این جمله نوک نیز بیگان را مشخص می سازد، ترکیب مقالات متعددا ارگان و شعاری طرح شده در آن این عمدگی را روشن میکند. این مسائل را در شرایط متفاوت -

میتوان دید، در زمانی که لیبرالها با حزب درجا کمیت تریک بودند تنها و تنها دقت کافی در مقالات و مندرجات ارگان و محور قرار دادن آن میتوانست توازن و تعادل صحیح را در افشاگریها و تبلیغات سیاسی ما فراهم آورد. اینک نیز در برخورد با رژیم میتوان از وجوه متفاوتی به آفتاب آن پرداخت، گران، بیگاری، فقر، سرکوب و کشتار و آدام، سیاست خارجی ضد خلقی رژیم نزدیکی سریع به امپریالیسم، معاملات - اسلحه جنگ، و... این تعدد جوانب تبلیغ سیاسی قادر است در صورت برخورد غلط ما را به تحراف بکشد و در اینجا است که ارگان نقش تنظیم و هماهنگی تبلیغات تشکیلات را بردوش می کشد. در شرایطی که جنگ مسلحانه عمده روز است تبلیغ بر محور قرار دادهای انتقالی رژیم تنها از زبرد وسیع برخوردار نیست، بلکه از تمرکز و سازمانی که مبارزات دمکراتیک محو مبارزات مردم است، با بیفتاری افزون از حد و عمده کردن مسائل اقتصادی نتیجه ای جز به هرز بردن نیروی تشکیلات و تنوذه هان خواهد داشت.

۳- از سوی دیگر ارگان پیوند سراسری - فعالیت تبلیغی سازمان را ایجاد میکند. تبلیغ حول شعارها ی واحد، مسائل مشخص، انتقال تجربیات تبلیغی، انتقال تجربیات مبارزاتی و آفتابی همه جا نیبه سیاسی رژیم میتواند تدبیر و تدبیر هم جا نیبه مبارزات نموده ها و در فعالیت تبلیغی سازمان ایجاد نماید. این هدف روزنامه ما میباید شد که

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟



ظهر بود در صف گوشت نشسته بودم. چند نفری قیلا" ایستاده بودند و مثل همیشه پچ پچ میکردند. خانمی که با جا درمشکی قیل از من نشسته بود آهی کشید و گفت کجا رفت اون همه گوشت و میوه. بخدا خانم تا گوشت کیلویی بیست و پنج تومان نشده بود، گوشت یخی را میگمها، نخورده بودیم. - تا زمان بقیه ای مشترک با عت شد که شمش شروع به صحبت کنم. در مورد سخنان شب قیلا - خمینی گفتیم که حالا از مردم میخوان همه ساواکی شوند. خوب مردم را بچون هم انداخته تا خودش با شه، اما کور خورده انا معشونه که هی روبه مردم میارن. خانم جا درمشکی گفت جوان ها مون هم از زمین رفتند، گمر گمر اعدا می کنند چند وقت پیش تو کوجه ما ریختند و چند نفر سر را زومهندس را به اسم مجا هدگر رفتند حالا شنیده اید که دو نفر آنها را اعدا م کردند. خانم هم با به جفتی آنها تا حالا پنجاه اعدا با زنا را حتی پیچیده، در همین جبهه دو نفر خانم که پشت سر من ایستاده بودند پرسیدند گوشت تا زه با یخی؟ خانمهای جلو گفتند دو باره یخی، خانم که جا در گلدار پرسیداشت وظا هر ش زحمتکش نشان میداد. با نا را حتی گفت تا لاکه می گفتند بریزید بیرون این گوشتها را فقط ببرد

کودمی خورد ذبح سلامی نیست دفتر چرا - نشا نمدا دکه یک هفته گوشت نگرفتیم ام - این همه چربی را کی میخوره، بچه ام تو کارخونه کار می کنی روزی ۱۲ ساعت با یاد لا قبل یک غذای مقوی بخورد همس میگی بسا زمین درست میشه، خانم جوانی که ظاهری کارمند داشت ضمن تائید صحبتهای او نا در گفت خانم مگر ما چندتا رد نیسا می آیم که بسا زمین فقط یک بار زندگی می کنم، ای بسم زندگیمون... خانم جا در گلدار که قیلا" صحبت میکرد گفت: تا زه شب که میشه نبوی تو تلویزیون با خبرنگارها می شینه صحبت می کنه و ریشخندی می زند که انگار به جهنم شما ها اینقدر بدبختی می کشین، اونم خمینی با اون در گفت که انا نم فتوا ی جا سوسی می دهد، نبوت گوشت من رسیده بودا ز قصاب - پرسیدم چرا گوشت تا زه نمیدن گفت خانم از خراج نیامده (در صورتیکه قیلا" ز قصاب با لاترا زاون بر سیده بودم گفته بود که کشتا رگا ها در ا اعتنا بند ا ز گوشت فروشی بیرون آدم و صدای نا را حتی ما درها و اعتراض هر روزها آنها، ادا ما خواه ستهای بی را می رسا ندکه هنوز به ا دست نا فتنه بودند و نا امیدان ما زاده ما رزه نیر شده اند.

آیت الله خمینی

ورویاهای شاهانه بنام...

عمل میتوان و یا بدخانه افراد لانسرو حزب اللهی را شنا سائی کرد (با بد مطمئن شد در آن خانه نیروی مترقی نیست) و بسا تلفن های داده شده از سوی رژیم آنها را به عنوان خانه مشکوک معرفی کرد. هرگاه هر هواداران این عمل را بعنوان وظیفه و سنگی بیوسته انجام دهد، اختلال وسیعی در سیستم خانه گردی رژیم انجام میگیرد.

یکی دیگر از وجوه مسلحانه تشدید فشار، و وارد آوردن فشارها بی بر شهربانی جهت بکارگیری کامل آن برای سرکوب - نیروهای انقلابی و با زما زینها دی چون کمیته مشترک است. در این رابطه با اعلامیه های "هنذا ربه بزن مثل شهربانی و احیا نا" اعلامیه های سعدی در این مورد را وسیعاً و بهر طریق ممکن در میان پرسنل شهربانی توزیع نمود، در خانه آنها انداخت، از طریق فامیل بدست آنان رسانید... تشدید

فشار رژیم بر شهربانی وظیفه پرسنل انقلابی شهربانی را بس سنگینتر میکند، این رفتار با بدکارا گاه هگرا نه وسیعی در شهربانی سازمان دهنده و شیوه های مقابله مناسب را که میتوان ردیف وسیعی از تا کشیکها، از مقاومت منفی در مقابل اوامر، با تمرد، و فرار از سازمان دهند.

اینک رژیم تمام توان خود را در جهت سرکوب انقلاب و تثبیت ضد انقلاب به کار گرفته است با بدبیکاری همه جا نیبه سازمان داد. با بدتاما می نیروها را به خدمت گرفت، با بد ا زهر تا کشیک، از زهر روش مناسبت سودجست و مسا زرات نموده ای را ارتقاء داده سازماندهی کرد. رژیم جمهوری اسلامی تا بود است، انقلاب نموده ای بیروزی است.

تجربیات گرانهای اعضای حزب راجع - آوری کند و هما آنها را برای رفقا یمان با ز گونما بدتا مثل یک گرا هما بیوسته با عت تجدید نظر و بهبود روشها گرا های کمیته یی با شد (اصول تشکیلات حزب - کمینترن) انتقال تجارب اعدا سات، بیشتر در مخرج نظا هرات، سازماندهی و شکل برخورد نیبه مسا زرات نموده ها، اشکال مختلف و متفاوت تبلیغ همه هم میتوان ندیده پیوند سراسری فعالیت تبلیغی و مبارزاتی سازمان - کمک رسانند. لنین میگوید: بدون شک کسی که از حیث استعداد تبلیغاتی و اطلاع از زندگی و لنگردان و لویطور تقریب مسا زرات نا دزدین باشد ممکن است از راه تبلیغات مسائل بیگاران خدماتی بیرون از ارتش انجام دهد، ولی اگر این شخص در صد بیسر نیاید که همه دقای روسی را از زهر قدمی بر میدارد مطلع ما زدوا بنیرا برای شخصی که هنوز توانائی ندا رند دست بکار جدید بزنند در مشق و نمونه قرار رنده، آذوقت این شخص استعداد خود را در خاک مدفون کرده است. (لنین - چه یاد بکرد)

وظیفه انتقال تمامی این تجربیات به دوش ارگان است. انتقال تجارب - مبارزات کارگری و نقشی بس عظیم در ارتقاء مبارزات کارگران و جلوگیری از تکرار - بیپهوه تجارب ایفا میکند. انتقال تجارب بخش اعلامیه، تبلیغ شفاهی و شیوه های دیگر تبلیغ (که عمدتا "در غالب بهبودها شکل میگیرد) نقش مهمی در جلوگیری از به هدر رفتن نیروهای تشکیلاتی ایفا میکند. انتقال تجارب سازماندهی در سطح جنبش - نقشی عظیم در جلوگیری از تکرار تجارب خطا و تحمل ضربات سنگین پلیس با ز می نماید. و بهر رو تمام می این وظایف قادر - است چون طنائی محکم جنبش سراسری را به یکدیگر پیوند دهد و چون چوب بست دور عمارت ارتباطیکبار چگی مبارزه طبقاتی را - نمودا رساند.

ادامه دارد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

آمریکا:

اعتصاب یکپارچه کارکنان کنترل پروازهای آمریکا و سیاست تهدید و ارباب دولت میلیتاریستی ریگان موج همبستگی عظیم بین المللی زحمتکشان را برانگیخت

ادامه بحران اقتصادی و تورم کمربند شکنی که از طرف دولت ریگان بسمیزان ۱۳/۵ درصد برسمیت شناخته شده، هر روز فشار بیشتری را به طبقه کارگر، زحمتکشان و کارمندان وارد میکند. از اینرو اردوی کار با طرد دفاع از حقوق اساسی و تأمین معیشت خویش در مقابل بله با تورم، درخواستهای اقتصادی و اخافه دستمزد را مطرح کرده و برای تحقق بخشیدن بآن به مبارزه برخاسته است. اما در مقابل سرمایه داری و دولت نماینده آن برای تأمین سود بیشتر و غارت هر چه بیشتر نیروی کار و تصاحب ارزش اضافی افزون تر، حمله به کار دستمزدی را به خشن ترین وجهی هدف قرار داده و در مقابل هر نوع خواست کارگران و کارمندان سرخستی بخرچ میدهد. به همین دلیل در ماههای اخیر حرکت اعتراضی - اعتصابی در آمریکا بشکل قابل توجهی (در مقایسه با سالهای قبل) افزایش یافته است. اعتصاب ۱۵۵۰۰ نفر از کارکنان کنترل پرواز فرودگاههای آمریکا که از ۱۲ مرداد (۱۳ و ۱۴) آغاز گردیده است تازه ترین حرکت اعتصابی در آمریکا است که انعکاس جهانی یافته است.

این اعتصاب یکپارچه هم از جهت دامنه و وسعت آن و تاثيراتش که در وضع اقتصادی آمریکا گذاشته و هم چنین بر خورد خشن آن میزد دولت ریگان در مقابل اعتصابیون حائز اهمیت است و هم از جهت همبستگی بین المللی در نوع خود بی نظیر بوده است.

اعتصاب کارکنان سازمان کنترل پرواز فرودگاههای آمریکا که با طر نامین ۳۲ ساعت کار در هفته، تا مین مزایای بهتر بازنشستگی و اضافه شدن تقریباً ۲۰ درصد حقوقشان پس از یک سری مذاکرات طولانی انجام گرفت توافقی هوایی آمریکا اقل کرد. اثرات فوری اعتصاب این بود که بلافاصله نیمی از ۱۴ هزار پرواز خطوط تجارتنی آمریکا متوقف شد. این اعتصاب با وجود حکم اخراج ۵۰۰۰ نفر دست جمعی توسط ریگان و احکام جلب توسط قضات توسط گاهای فدرال و دستگیری چندتن از رهبران آنان تاکنون (که دو هفته است از آن میگذرد) ادامه دارد. اثرات این اعتصاب با وجود تمهیداتی که دولت در برگیره نظریه نظامیان در کنترل پرواز - ها انجام داد بسیار وسیع و عمیق بوده است.

در اثر اعتصاب سازمان هواپیمائی فدرال آمریکا تصمیم گرفت از ۱۹ مرداد (۱۰ اوت) موقتاً تمام پروازهای خود را از ۶۱ فرودگاه آمریکا به مقصد اروپا لغو کند. این تصمیم بدنیال خودداری کارکنان توافقی هوایی کانادا از انجام وظیفه در مورد پروازهای آمریکا بر فراز اقیانوس اطلس اتخاذ شده

است. با این تصمیم پرواز فرودگاههای کندی، وکامری، لوگان و فیلادلفیا به مقصد اروپا لغو شدند. مسئولان فرودگاههای اسپانیا از دادن اجازه پرواز به هواپیما - هائی که از آمریکا بودند خودداری کردند. این تصمیم باعث خطرات ناشی از عدم کارائی مسئولین کنترل کسبه متصدیان تجاری نیستند صورت گرفته. در این رابطه هم شرکت بریتیش ایرویز (هواپیمائی انگلستان) از روز ۲۱ مرداد اکثر پروازهای خود را از لندن به آمریکا قطع کرد. اکثر شرکتهای هوایی در این نگرانی هستند که با اعتصاب کار در روزی و تعلیم دیده، کنترل هوایی در آمریکا بدست چه کسی اداره میشود؟

بنابراین از طرف خلبانان از زمان اعتصاب تاکنون بیش از ۵۰ واقعه خطرناک ناشی از عدم قابلیت کنترل هوایی صورت گرفته است.

تنها ۵ روز پس از شروع اعتصاب، شرکتهای هوایی آمریکا اعلام کردند که دست کم ۲۱۰ میلیون دلار زیان با آنها رسیده است.

دولت آمریکا بلافاصله پس از شروع اعتصاب پس از یک تهدید شدید، حکم اخراجی برای ۱۲ هزار نفر از اعتصابیون صادر کرد. دولت آمریکا اعلام کرد که این اخراجها بدون بازگشت خواهد بود. به دنبال این اقدام، وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد ۵۰۰ نفر از نظامی رابرای کمک به ادامه کار فرودگاهها در اختیار بخش خصوصی قرار میدهد. و بار دیگر بخش ارتش فدرالی نه تنها بعنوان یک نیروی سرکوبگر طبقه کارگر و زحمتکشان خودی و خلقهای تحت سلطه بکار برده میشود بلکه بعنوان نیروی اعتصاب شکن از آنها استفاده میشود.

همزمان با این اقدامات، تعدادی از رهبران اتحادیه دستگیر شدند. یکی از رهبران بنام ولارت به ۶۰ روز زندان محکوم و روانه زندان شد. دولت آمریکا اعلام کرده است که در نظر دارد اقدامات جدیدی را بجای ۱۲ هزار اعتصابی بکار دولتی بگول دیر اجرائی فدراسیون بین المللی انجمنهای کارکنان توافقی، این امر غیر ممکن است. زیرا ترتیب هر یک از کارکنان حداقل به دو سال آموزش نیازمند است و برخی از کارکنان به چندین سال تجربه احتیاج دارند، و اکنون هم دولت ریگان با کم کردن نظامیان بی تجربه، عملاً امنیت کنترل هوایی آمریکا را دستخوش تصمیمات خشن و ضدکارگری خود کرده است. در طول اعتصاب نیز رونا لدریگان به تهدید کارکنان اعتصابی پرداخته و اعلام کرده که قصد دارد تصمیم خود - مبنی بر اخراج ما موران کنترل هوایی که دست با اعتصاب زده اند عدول کند. اما در عین حال معاون سخنگوی کاخ سفید

جنبش جهانی

تازگی - رهائیبخش



اعلام کرد "ریگان که سرگرم گذار شدن تعطیلات خود در نزدیکی سانتا باربارا می باشد ساعت به ساعت در جریان تحولات اوضاع اعتصاب قرار میگیرد. و بلاخره پینتاگون (وزارت جنگ آمریکا) اخیراً تهدید کرده است که میتواند ۱۵۰۰ نفر از ۱۰ هزار کارمند نظامی برج - مراقبت فرودگاههای نظامی را به فرودگاههای غیرنظامی بفرستد بدون اینکه به پروازهای نظامی خودشان لطمه - ای وارد شود. اما متخصصین امر اظهار عقیده میکنند این رقم عراق آمیز بوده و دولت چنین امکانی نداشته و این سخنان تنها برای درهم شکستن روحیه اعتصاب کنندگان گفته شده است زیرا اگر این امر امکان پذیر بود میتوانستند فرودگاهها را کنترل کنند دیگر نیازی به کاهش پروازها تا میزان ۲۵ درصد نبود. چرا که میبایست وزیر حمل و نقل آمریکا اعلام کرده است که حجم ترافیک هوایی این کشور حداقل تا ماه آوریل ۸۲ (۹ - ماه آینده) به میزان ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. هم چنین آمریکا تهدید دیگری کرده که در صورت ادامه اعتصاب از واکنش برای کنترل هواپیماها استفاده خواهد کرد.

عکس العمل شدید دولت میلیتاریستی ریگان نسبت به اعتصابیون از یکطرف نمایانگر ماهیت ضدکارگری دولت در حمایت از سرمایه داران و انجمنهای ایالات متحده آمریکا و کسب سود بیشتر برای آنهاست. این امر نشان داد که وقتی پای منافع حال و آینده انحصارات امپریالیستی و دولت نماینده آنان ب میان می آید دیگر تمام ماسکهای فریبکاریانه "دمکراسی به کناری زده - میشود و چهره کرب و خشونت با امپریالیسم و جنگلهای خونین او که در دستکش مخملی پنهان میکنند نمایان میشود. و از طرف دیگر این امر حاکی از ترس و وحشت دولت آمریکا از گسترش مبارزات کارگری در سطح آمریکا و آواخ نوین این مبارزات میباشد.

نکته قابل توجه در اعتصاب کارکنان کنترل هوایی آمریکا همبستگی و همکای بین المللی بود که در سراسر جهان بوقوع پیوست. از همان روزهای اول اعتصاب اقدامات حمایتی و همبستگی از جانب کارکنان کنترل توافقی در کشورهای بقیه در صفحه ۱۲

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

ارتجاع فرهنگی ترکانی می‌کند

هنوز کفن سانسور شاهنشاهی درگور نیوسیده است که زما مداران جمهوری - اسلامی به دنبال انواع ناخوشنوازیهای گوناگون به عرصه های مختلف تفکر، هنر و ادب می‌گوشند یا ردیگر تمامی آن دستگاه جهنمی را به کار اندازند و این بار زیرلای شریعی اسلامی، پس از جمله به دانشگاه ها و بوستان آنها به بهانه انقلاب فرهنگی، پس از جمله به روزنامه ها و مسر به تعطیل آنها، پس از غیرقانونی اعلام کردن نشریات انقلابی و صدها اقدام ضد فرهنگی دیگر، اینک دستگاه وزرات - ارشاد به فکر افتاده است که لایحه ای - برای تنظیم و تنسیق نشریات تدوین کنند تا با سدستن بر راه آنها عه اندیشه های مترقی، بلکه یک دوروزی بر عمر خویش بیفزاید.

مهندس زنگنه معاون وزیر ارشاد که مجری تدوین لایحه نشریات است می‌گوید (به درستی توضیح میدهد) که این عمل مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی است و بنا بر آن نشریات و کتبی که "مخل میان فرهنگی اسلام" نباشند مجاز به انتشار هستند. (این همان قانون اساسی با اصطلاح مترقی فدائو امپریالیستی - دمکراتیکی است که توده ای - اکثریتی ها عاشق سینه چاک آن هستند)، تنها مانع کار وزارت ارشاد تشخیص آن است که چه چیزهایی محفل مسابقی اسلام است و برای این کار به فقهایی عالیقدر رجوع شده است تا با گنجاندن فتاوی آنان در متن لایحه، کار سانسور مطبوعات قانوناً و عملاً آغاز شود.

اما از هم اکنون پیدا است که پاسخ مراجع فقیه چه خواهد بود: هر چه جز اسلام، باطل است، هر تفرکی جز اسلام، مفسد است و با بد زشت آن جلوگیری و هم اکنون نیز مطابق همین فتاوی ابراز شده عمل می‌شود، زیرا دیده ایم و شنیده ایم و میخوانیم که به کتاب فروش ها، چاپخانه ها و خانها حمله می‌برند هر چه جز اسلام - بیا بند، با خود می‌برند و یا در محفل میسوزانند، خاطره، کتاب سوزان های جمهوری اسلامی هنوز زنده است و هم اکنون نیز در روزنامه ها اعلام میکنند که در فلان خانه تیمی، تعدادی کتب ضالیه بافته اند. (روش ها و اصطلاحات عیناً از دوران شاهنشاهی اقتباس می‌شود) و با شهربانی، به دنبال تهدیدات رکیف مجلس، مظفرانه اعلام میکنند که در کیف یک رهگذر تعدادی کتاب ضالیه و ۴ نوار شریعی یافته است.

با توجه به این شواهد و رویه ها معلوم است که مقامات وزارت ارشاد می‌خواهند برای عملیات سانسورگرانه خود مجوز قانونی پیدا کنند و الا در عمل به آنچه بدان معتقدند، یعنی محو آثار هرگونه تفکر و عقیده غیر اسلامی، چه رسد به ضد اسلامی، اقدام می‌کنند و تنها مانعی که در برابر خود دارند، مقاومت و مبارزه توده های مردم است که گسته از بندهای تیره در صفحه ۱۱

مشروطیت مشروعه و جمهوری اسلامی

۱۴ مرداد، سالروز مشروطه بود. در این باره همه دستگامهای سخن پراکنی (دروغ و تزویر) رژیم خاموش ماندند. مجلس شورای اسلامی با سکوت خود نشان داد بیگانگی خود را از انقلاب مشروطه و همبستگی تاریخی خود را با مشروعه خواهان مرتجع و درباری. انقلاب مشروطه علیه استبداد (و اشرافیت زمیندار) است (جهت گیری کرده، و به مشروطه دست یافت، یعنی به مجلس شورای ملی، قانون اساسی و در پی کلام به دموکراسی سیاسی که نیا ز فوری طبقات انقلابی هم بود و سابقا زماندهی و آگاهی انقلابی توده ها را میسر کرد. مرتجعین، یعنی دربار، خوانین و اکثر روحانیون، که تخته بند استبداد مطلق و ستم و بردگی قرون وسطایی بودند، خواستند که مشروعه را در کنار مشروطه

بگذارند، تا بدین تیرنگ همه دستاوردهای دموکراتیک را با زیس گیرند و ظلمت وجهالت کهن را ابقا کنند. در حالی که مشروطه خود به معنی جدایی دین از دولت است و نخستین مجلس مشروطه هم اصل آزادی مذهب را اعلام داشت و استبداد مذهبی را، از جمله در قوه قضائیه، منسوخ کرد. و فریاد سید تقوی ها هم که "این حرف ها مثل لواج کفری است که منکرین از لسان مجلس طلبان در میان مردم منتشر میکنند" به جانی نرسید.

جمهوری اسلامی، که بدرستی نفی جمهوریت است، از این کینه تاریخی رها نگشته است. با زیر پا گذاشتن نخستین اصول دموکراسی یعنی شری، سفاکی و اقتدار خود را در پی جمهوری بنیان کرده است. بی شک این توده های انقلابی مردم - اندک بهرچم انقلاب مشروطه را بدوش می‌کشند، با خواست شان برای جدایی دین و دولت، دموکراسی سیاسی و انقلاب ارضی در عین حال که شرایط تاریخی جدید، وظیفه انقلاب پرولتری، یعنی رهبری طبقه کارگر برای درهم شکستن ماسین دولت بورژوازی، و نابودی سلطه - امپریالیستی را در دستور قرار داده است. بدین سان خلق انقلابی است که صادقانه با امروز مشروطه را جشن می‌گیرد و آن را، بمنزله روز مبارزه علیه تبه کاری ها، جنایات و ظلم، به طبقات حاکم خاطرتان می‌کند.

پرسنل شهربانی به روی مردم شلیک نمی‌کنند

این روزها پرسنل شهربانی زیر شدیدترین فشارها از جانب حاکمیت قرار دارند. رژیم از آنها میخواهد که سلاحهایشان را همچون پاسداران سرمایه به قلب نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش نشانه روند و در سرکوبها، کشتارها، شکنجه ها و اعدامها و جاسوسیها مشارکت داشته باشند و همچون مزدوران فالانز و کمبیتچی ها، نقش ساواک را ایفا نمایند. در این رابطه ها شمس رفینجانی در هفته گذشته، بدینال اعدام انقلابی آیت خطاب به پرسنل شهربانی آنان را تدبیرا "مورد تهدید قرار داد و از آنان رسماً خواستار همکاری در سرکوبها شد. او با مقایسه شرایط کنونی با زمان شاه و نقش پرسنل شهربانی، آنان را مورد سوال قرار داد که چرا در رژیم گذشته، خدمتگزار رژیم بوده اید و در شتابانی و دستگیری انقلابیون - شرکت داشته اید اما اکنون هیچگونه همکاری با رژیم جانشین شاه بعمل نمی‌آورید.

او گفت که در رژیم گذشته چگونه از پاساها وحشت داشته و توسط آنان تحت کنترل بوده است، و گرچه بدرستی سرکوبهای کنونی را با سرکوبهای شاهنشاهی مقایسه کرد، اما حماقت او در اینجا است که از پرسنل شهربانی می‌خواهد که از زوده زاده ها به بی‌زمانی اما پرسنل شهربانی اگر یکبار در رژیم گذشته، نا آگاهانه خدمتگزار رژیم سرمایه داران و رژیم دشمن خلقها و زحمتکشان و انقلابیون بوده اند، اکنون با کسب تجارب ارزشمند از قیام خونین بهمن ۵۷ و کسب آگاهی در تشخیص دوستان و دشمنان خلق، دیگر حاضر نیستند در خدمت حاکمیت ضد خلقی قرار گیرند و بر

روی فرزندان خلق آتش بگشایند. آنان طعم تلخ دشمنی با مردم را چشیده اند و در تجربه عملی خود موخته اند که دشمنی با نیروهای انقلابی، همانا دشمنی با خلق است. و به همین دلیل دیگر حاضر به اطاعت گورگوران و افرامین حاکم بقدرت خزیده نیستند. آنان در رژیم گذشته همواره کینه و نفرت مردم را نسبت بخود احساس کرده بودند و نمی‌خواهند شرایط گذشته تکرار شود. آنان بدرستی دریا فتنه ندکه رژیم کنونی نه تنها تمامی دستاوردهای قیام خونین خلق را به سرعت به نابودی گشاده است، بلکه اکنون درست بهمان شیوه های "ریاضی" هرگونه اعتراض را با گلوله و شکنجه پاسخ می‌گوید، کارگران را دسته دسته روانه زندانها می‌سازد، شوراها را یا در هم شکسته و یا بی محتوا ساخته است. تا کنون دهقانان و سایر زحمتکشان به هیچک از خواسته های خود ناشلیک نگشته اند و در عوضی تجار و محترکریین مکتبی هر روز بیش از پیش جیبهای گشادشان از استعمار خلق انباشته تر می‌گردد. فشارگران و بیگاری و نبود مسکن و بهداشت و... پیدا می‌کند و توده های شهربانی نیز با گوشت و پوست خود این فشارها را احساس میکنند و همچون سایر مردم زحمتکش ما با تمامی این مشکلات دست به گریبانند و آینه های نه چندان دور شاهان خواهیم بود که اینبار توده های شهربانی نه در مقابل مردم که دوشا دوش مردم و نه در خدمت رژیم که در مقابل رژیم کنونی بپا خواهند خاست و همراه سایر همکاران و زحمتکشان با ط ستم و استعمار را درهم خواهند شکست.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



صلاحیت "نمایندگی" نماینده انزلی

گفتگوهایی که میان نمایندگان مجلس بر سر تصویب اعتبارنامه آقای پورگل، با صلاح نماینده مردم بندر انزلی صورت گرفت، به خوبی رسوائی انتخابات میان دوره ای اخیر و واقعیت جاد شدن توده های مردم از حکومت را عیان می کند. به گفته یکی از نمایندگان (مندرج در کیهان ۲۳ مرداد ۶۰) انزلی ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار نفر جمعیت دارد و فقط ۵ هزار نفر در رای گیری شرکت می کنند و این (آقای پورگل) با ۴ هزار رای - انتخاب شده اند و این درست نیست... شرکت کردن این تعداد از مردم در انتخابات در شان مجلس نیست و مردم بندر انزلی انتظار دارند تا در یک جواز ادعا شده خود را انتخاب کنند.

و عزت اله صاحبی نماینده دیگر می گوید: "از یک شهر ۱۵۰ هزار نفری ۵ هزار و ۵۵ نفر شرکت میکنند و ۴۸۰۰ نفر به پورگل رای میدهند. آیا این می تواند نماینده این تعداد رای ادعا کند که نماینده مردم شهر انزلی هستند؟"

حقیقت ماجرا یا زهم با ظواهر همین با صلاح نمایندگان مجلس این است که از سه گانه بدای نمایندگی یکی به نفع پورگل کنای رفت و دیگری کسی که نماینده ای حزب سوسیالیست بود که نمی توانست به عنوان رقیب... مطرح باشد (به زعم ایشان به خاطر سوسیالیست بودن، ولی در واقع به علت این که اصولاً حزب الهی ها و موعوب شدگان کسی در انتخابات شرکت نکرد) و جالبتر از همه این که بداند نیم در انتخابات قبلی شخصی به نام حبیبی از هواداران - مجاهدین انتخاب شده بود که درست به همین دلیل (!) اعتبارنامه اش به تصویب نرسید، (به قول پورگل وی با عنا صر کفر و لفاظ در رابطه بوده!) و با هیچ مردم به این انتخابات فرمایشی، تحریم واقعی آن بود.

با این حال با وجود مفتضح بودن جریان انتخابات و تعداد آرای این شخص، مجلس شورای اسلامی برای دهن کجی به رای واقعی مردم، رای صلاحیت وی داد تا او بتواند برای برنامسه انتخاباتی خود در جهت مبارزه با "بین همه فسادکنان دریا (!) و جیبی ها" در کنار سایر برادران مکتبی خویش "ایستادگی کند".

ارتجاع فرهنگی

بقیه از صفحه ۱۰

ا سارت اندیشه شاهنشاهی، به هیچ روی حاضر نیستند در زندان اندیشه های ضد علمی محبوس باشند، خلق، بندهای گسستن از این بندران پر داخسته است و برای دفاع از آزادی های - دموکراتیک، چنان که هم اکنون نشان می دهد، تا پای جان می ایستند و نخواهد گذاشت بساط استبداد فکری گسترده - باشد.

با تصویب مجلس، مقررات ضد انسانی و ارتجاعی قصاص و حدود، رسماً در دادگاهها بمورد اجرا گذاشته شد.

فانونی ۳ شکل خواهد داشت. که در این مورد کمیسیون قضائی مجلس راه حل ساده ای برای این مشکل پیدا کرده که با گذاشتن کلمات ترجمه فارسی در جلوی کلمه رساله تحریر را وسیله مسئله را حل می کنیم، که اینکار هم در مجلس انجام گرفت و بتصویب رسید و این "اشکال" هم رفع گردید!!

مادرشماره های قبل به تفصیل مقررات بنیاد ارتجاعی قصاص و حدود شرعی را تشریح کردیم و نشان دادیم که این مقررات جا صهر اسدوران بربریت قرون وسطائی و سیستم قبیله ای میبرد. اما قابل توجه است اما فکرم که در لایحه فانونی قصاص که توسط شورا بعالی قضائی تنظیم شده بود، سعی گردیده بود مقررات قصاص و حدود را تا اندازه ای - در فرم فانونی و تعدیل شده ای مطرح کرده و در پاره ای موارد، بخصوص در مورد اقلیتها مذهبی به سکوت برگزاشد که اینک با رجوع دادن به رساله "تحریر الوسیله" دیگر کلیه مقررات قصاص و حدود کاملاً مویمو اجرا خواهد شد. با این ترتیب ملاحظه می شود سیاست رژیم ضد خلفی که از موقعیت اختناق فانونی استفاده کرده و هر چه اقدامات ضد خلقی درجته دارد بپایه کند، بمورد اجرا گذارده میشود. ما کوشش میکنیم در آینده نکات اساسی رساله تحریر الوسیله را مورد بررسی قرار دهیم.

با لایحه علیرغم مخالفتهای گسترده مردم با لایحه قصاص، مجلس شورای اسلامی در جوار اختناق و سرکوب خشن و اعدامهای دسته دسته انقلابیون و دستگیری هزاران مبارز، با یک کلک فانونی، مقررات قصاص و حدود و دیات را بتصویب رساند. با این ترتیب که بموجب ماده ۲ "طرح فانونی الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری" به دادگاههای انقلاب اختیار داده شده است که مقررات قصاص و حدود شرعی را - شما "بدون کم و کاست، آنطور که در رساله آیت الله خمینی آمده، اجرا کنند. ماده ۲ طرح چنین است: "به دادگاههای انقلاب اجازه داده میشود که در موارد - خود و قصاص و دیات بر طبق رساله تحریر الوسیله، امام خمینی عمل نمایند و حکم قصه را صادر کنند. با این ترتیب زمزمه - آنگاه از دستهایش بگوش می رسد (وما در مقالات راجع به قصاص بان اشاره - کردیم) که چون مقررات قصاص و حدود جزئی از رساله علمیه است و لذا احتیاج به تصویب مجلس ندارد، بواقعیت رسید و مجلس بدون اینکه خود را گرفتار تصویب ماده به ماده لایحه قصاص کند، با این - شکر و مقررات قصاص را تصویب کرد. - البته اخیراً "شورای نگهبان" با این ماده از این نظریه براد گرفته بود که چون طبق قانون اساسی باید قوانین بزبان فارسی باشد و از آنجا که رساله "تحریر الوسیله" بزبان عربی است، از ترتیب

مقدمات کودتای ۲۸ مرداد

بقیه از صفحه ۶

سیاست اتحاد جماهیر شوروی در "دفاع از حقوق رنجبران و حقوق ملل ستمدیده" در انتقاد از مشی حزب توده نوشته ما با حزب توده "هیچ گاه عداوت و دشمنی نداریم". سال ها "در کنار هم" علیه دیکتاتوری مبارزه کرده ایم. اما امروز می پرسیم: آیا "اعمال تان با ما مبارزه حزبی بگذرد موافقت دارد؟" (شماره ۲۲/۸/۹۰) و با "آزادی خواهی به عمل است نه به حرف، آقایان کاری نکنید که مردم را از خود برانید. هر کس با شما در جریان موافقت نکرد، فاش نیست است. این رفتار شما برای ملت و مملکت خطر بسیار دارد". (شماره ۲۳/۸/۹۰). توتوغ "زحمتگان" و "ستمدگان" از مناسبات با شوروی عبارت است از "اعتقاد و علاقه خلیل ناپذیر به آزادی و بیروزی یکدیگر، احترام عمیق به منافع و حقوق یکدیگر، نداشتن چشم طمع به حاصل دسترسج یکدیگر و کمک بیدریغ برای پیشرفت همه زحمتگان و ستمدیدگان به سوی آزادی و ترقی". (همانجا).

مصدق ها دولت را بدان گشاندند، در افکار عمومی توجه پذیر نبود. دکتر رادمنش می گفت: اگر این دولت با عهد نتواند موازنه بین دولت ها را حفظ کند "با بدرد". ما "دولتی سرکار می آوریم که موازنه سیاسی مملکت را حفظ نماید و اگر این کار نشود، مسئولین اموردانند فردا هر بیش آمدی شد، مسئول آنها هستند" (گذشته چراغ راه آینده است ص ۲۱۲) دکتر مصدق در نامه ای کله آمیز، در ۲۲ اسفند ۱۳۲۳ نوشت: "راجع به نفعت شمال، که اینکارها رلمانن این جانب موجب بدبینی و دلتنگی ما موریسین اتحاد جماهیر شوروی گردید، من همان نظری را ارائه دادم که فراکسیون حزب توده در جلسه ۱۹ مرداد ۱۳۲۳ ارائه داده بود و جز این نگفتم که ما نیز "یادادن - امتیازات به دولت های خارجی بطور کلی مخالقم". (همانجا ص ۲۱۰) روزنامه "باخترا" امروز "به سردبیری دکتر قاطمی که بعدها وزیر امور خارجه مصدق شد، ضمن بزرگداشت و تحلیل از

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

اعتصاب کارکنان کنترل ...

بقیه از صفحه ۹

مختلف بعمل آمد. در ۱۷ مرداد (۸ اوت) سازمان کشوری کارکنان ترافیک انگلستان را از اعضای خود خواست تا از هدایت هواپیماها به حریم هوایی آمریکا که در شرایط ناامن سر میبرد - خودداری نمایند.

در روز ۱۸ مرداد بزرگترین سندیکای کارکنان ترافیک هوایی فرانسه نیز از اعطاء خودخواست تا به حمایت از اعتصاب همکاران آمریکائی خود از هدایت هواپیماها به آمریکا خودداری کنند. این سندیکا همچنین دستور داد از ورود هواپیماهایی که قصد پرواز به آمریکا را دارند به حریم هوایی فرانسه جلوگیری خواهند کرد.

همچنین کارکنان برجهای مراقبت فنلاند، سوئیس، زلاند جدید، نیبال رای گیری اعلام کردند که از هدایت هواپیماها به حریم هوایی آمریکا خودداری خواهند کرد. همچنین کارکنان برجهای مراقبت ونزویلا و استرالیا نیز به همکاران خود پیوستند.

در ۱۹ مرداد اتحادیه کارکنان برجهای مراقبت هوایی کانادا اعلام کرد که تمام اعضای دیگر بجز در مواقع اضطراری از اقدام در مورد پرواز هواپیماهایی که از آمریکا به این کشور قصد پرواز دارند خودداری میکنند و این امر از بعد از ظهر ۱۵ اوت به مرحله اجرا درآمد.

یکی از بزرگترین سازمانهای کارگری زاین حمایت خود را نسبت به اعتصاب کارکنان برجهای مراقبت هوایی آمریکا اعلام کرد و طی تلگرافی از روتلدریکان خواست تا از طریق یک راه حل مسالمت آمیز با این امر خاتمه دهد.

در ۲۱ مرداد گفته شد که با پیوستن بخش کارمندان کنترل هوایی کانادا انتظار می رود قسمت عمده ای از پروازها لغو و بنا خیر افتد. کنترل کنندگان ترافیک هوایی اکاندر در کانادا که برخی از اعظم پروازهای بین کانادا و آمریکا نظارت دارند همچنان از انجام تشریفات هواپیماهایی که عازم آمریکا هستند خودداری میکنند.

کارمندان بخش کنترل هوایی کشورهای استرالیا و زلاند نیوزیلند هم حمایت از خواستهای همکاران خود از انجام تشریفات هوایی به مقصد آمریکا خودداری کردند.

اتحادیه کنترل کنندگان ترافیک هوایی جمهوری فدرال آلمان نیز ضمن پشتیبانی از اعتصاب کنندگان علیه اقدامات دولت ریگان که میگوید اعتصاب اتحادیه کنترل ترافیک هوایی را سرکوب کند اعتراض کرده و ضمن تلگرافی به رئیس جمهور آمریکا روشهای ارباب و توقیف رهبران اتحادیه را محکوم نمودند و با اشاره کارکنان کنترل هوایی اسپانیا و بریتانیا با اعتنای بیون اعلام همبستگی نمودند. در خود آمریکا رئیس اتحادیه فدراسیون کارگری آمریکا در شیکاگو به فشارهای اقتصادی دولت علیه هموطنین کنترل هوایی اعتراض کرد. وی همچنین اعلام کرد که بخاطر اعتراض به سیاست دولت ریگان یک راهبیمانی بزرگ در ۱۹ سپتامبر وسیله کارگران و کارمندان دولتی انجام خواهد شد. در ایران نیز کارکنان هماهنگی انجمنهای اسلامی کارخانجات سراسر کشور، که کاملاً

از این اما مزایای ساخته نیست

بقیه از صفحه ۱

جنای از سوزواری توانسته است با فائق آمدن بر تضادهای درونی بالایش و سرکوب توده های بحران قدرت را بطور اخص و بحران سیاسی را بطور اعم حل کند اما موفقیت این امر همیشه محتاج به پیش شرط هایی بوده است که نخستین شرط آن، انجام فوری فرمهای اقتصادی، تعدیل بحران اقتصادی و توانائی در میا کردن بحران سیاسی است. اما آیا حزب جمهوری اسلامی و کابینه کنونی آن قادر است، چنین رسالتی را بر دوش گیرد؟

ترکیب کابینه با هنر نشان میدهد، که این روشها و گرداندندگان اهرمهای اجرائی، به چه وجهه قدرتی در توده های که نزدیک به ۵ سال در یک بحران همه جانبه گرفتار است، سروامانی بدهند، و نه در شرایط یک جنگ داخلی و خارجی، در شرایط بی اعتمادی توده های سیاسی حاکمیت در جهت حل بحران سیاسی گام بردارند. ترکیب کابینه که بخوبی ما هیت ارتجاعی آنرا نشان میدهد، از میان افراطی ترین نیروهای دست راستی انتخاب شده است. در میان آنها میتوان چهره های سرشناسی که رهبری باند های سیاه را بعهده دارند، نظیر معاد یخو، پرورش و غرضی را مشاهده کرد. هدف این کابینه جز برقراری اختناق و سرکوب چیز دیگری نیست. بعبارتی میتوان کابینه آقای باهنر را کابینه قهر و سرکوب نامید. این معیار رگزینش اعطاء کابینه بوده است. اما همانگونه که پیش از این گفتیم هیچ قهر و سرکوبی بتنهایی قادر نیست تضادهای را که مستقل از اراده و شعور انسانها و تحت تاثیر شرایط مادی جامعه و وضعیت اقتصادی توده ها عمل میکنند، از میان بردارد. بلکه بالعکس به بحران سیاسی موجود را من خواهد زد.

در ترکیب کابینه یک مسئله دیگر نیز جلب توجه میکند و آن انتصاب آقای عسگر اولادی چهره شناخته شده مذاکره تجاری است که در سمت وزیر بازرگانی قرار گرفته است. این امر بدین معنات که سوا اینک کابینه با هنر در کلیت خود بی تکر سلطه سیاسی سوزواری تجاری است، با انتخاب عسگر اولادی بعنوان وزیر بازرگانی، تجاری را از مینوا نند مطمئن با شند، تا زمانیکه این کابینه بر سر کار است، منافع اقتصادی محتکران و بازرگانان بنحواً کامل حفظ خواهد شد و سودهای کلانی بقیمت خانه خرابی توده ها به جیب تجاری را رسا خواهد شد.

که از مدت ها پیش در درون قدرت حاکمه وجود داشت و منجر به درگیریهای بسیار حاد درونی میشد موقتاً از میان رفته است و تضادهای آشکار درونی حاکمیت تعدیل یافته است. تلاش حزب از مدت ها پیش در این جهت معطوف بود که بمنظور حل بحران سیاسی موجود، در اولین گام تضادهای درونی حاکمیت را حل نماید. تعدیل کند، زیرا این تضادهای حاد و برخورد های آشکار درونی حاکمیت زمینه را برای عیان شدن ناراحتیها و اعتراض مردم میدان بافتن مبارزات توده ها فراهم میکرد. از این رو حزب با تلاش در جهت از میان بردن این تضادهای نخستین گام را در جهت حل بحران سیاسی نوسل به سرکوب قهر آمیز توده ها و بسد کردن مبارزات آنها برداشته است. کمر چه بنظر میرسد که حزب در اجرای برنامه های خود موفق شده است، اما عوامل بحران از که بحران حکومتی نیز از نکات آن محسوب میشود، همچنان بجای خود باقی است. این کیفیت وحدت بحران در بالایشها نیست که تعیین کننده ابعاد مبارزه طبقاتی وحدت تضادهای اجتماعی است بلکه بالعکس، این تضاد بحران در بالایشها خود انکاس و بازتاب در مبارزه طبقاتی وحدت بحرانهای اجتماعی است. برای این اساس نمیتوان ادعا کرد که این تغییر در بالایشها قادر باشد جلوی رشد عوامل عینی را سد کند. بحران اقتصادی همچنان بقوت خود باقی است. و در شرایط مادی زندگی توده ها و عوامل مادی تعیین کننده سطح مبارزات آنها هیچگونه تغییر اساسی صورت نگرفته است. از این گذشته فعل و انفعالات سیاسی اخیراً با مع و تسلط کامل حزب بر بازارهای قدرت دولتی به چه وجهه بمعنای حل بحران قدرت نیست. زیرا حل بحران قدرت منوط به اینست که با توجه به سطح و کیفیت مبارزه طبقاتی و تضادهای اجتماعی یک نیرو قادر باشد قدرت را در دست خود حفظ کند، و بحیثیت خود ادامه دهد. بر این اساس مجموعه ناتوانیهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حزب که همواره به تشدید تضادهای منجر شده است، گواهی است بر این مطلب که حزب جمهوری اسلامی بنا بدلائل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی نمیتواند رسالت حل بحران قدرت را در دست داشته باشد. البته تجربه نشان داده است که در شرایط معینی پس از یک دوره درگیریها و مبارزات حاد میان بالایشها و پائینها از یکسو و درگیریهای درونی بالایشها

تحت کنترل دولت فدکا رگری و ضد خلقی جمهوری اسلامی است بخاطر کسب وجهه اعلام همبستگی با کارکنان کنترل هوایی آمریکا کرد. در حالیکه بر بسیاری از کارگران آگاه جهان روشن است، که این انجمن های اسلامی ابزارهای سرکوب و تحمیل رژیم جمهوری اسلامی اند، رژیم که حتی اعتنای را که حق مسلم کارگران است، ممنوع کرده است.

بهر حال اعتصاب کارکنان کنترل هوایی آمریکا همچنان ادامه دارد و فشارهای متعدد دولت امپریالیستی، ضد کارگری و جناحین کارکنان علیه کارکنان

ادامه دارد. گرچه رئیس اتحادیه کنترل ترافیک هوایی آمریکا اظهار داشت که است که دوباره مذاکره بین مقامات دولتی با اتحادیه از سر گرفته شود، اما آنچه که در این حرکت بیش از همه از اهمیت ویژه ای برخوردار است همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان و اعتراضات و اعتنای بیگانه به پشتیبانی از کارکنان کنترل هوایی آمریکا بود. این امر نشان دهنده اتحاد کارگران و زحمتکشان سراسر جهان علیه خص مشترک، امپریالیسم جهانی است. بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

رژیم ضد انقلابی حتی نمیتواند وجود بعضی آثار ظاهری انقلاب را تحمل کند!

رژیم جمهوری اسلامی نه تنها از نظر محتوای تمام دستاوردهای قیام شکوهمند بهمن را زیر پا گذاشت، نه تنها تمام آزادی های دمکراتیک بدست آمده از بیطن قیام را از مردم گرفت، نه تنها شورا های انقلابی را منحل کرد و با ازمحنو آنها ساخت، نه تنها کوشش کرد شورا انقلابی توده ها را با قهر ضد انقلابی خدیه بفعل کند و میازات ضد امپریالیستی خلق را با اقدامات فرساینده و حساب شده به خاموشی کشاند و جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم را کاملاً مبهک و مبهق نماید بلکه همه موازات این اعمال کوشش کرده و میکند که از نظر شکل و ظاهر همه دستاوردهای قیام خلق و جنبش دمکراتیک را محو و نابود کند.

یکی از حرکت های خودجوش مردم که تبلور خواست ها و آرمان ها و شور و احساسات انقلابی مردم بود شعار ها و نشانی بود که توده ها در دوران شاه بطور روزمره در زیر فشار و اختناق بدیوارها مینوشتند: "شاه کفن نشود، این وطن وطن نشود"، "شاه در بدرشد، ما واکبی بی پدر شد"، "رهبران ما را مسلح کنید"، "ارتش ضد خلقی ما بود یا نبود گردد"، "برادر ارتشی چرا برادر گشتی"، "۱۷ شهریور، زاله غرق خون شد"، "بختیار نکوبی اختیار"، "فدائی، مجاهد بیروز است"، "امروز کاخ تیری عبدست فدائیان خلق خلع سلاجقد" و...

این شعارها که تا مقطع قیام کمونیست ترین زبان توده ها و بیباکانه و بیستادندند به پیروان رژیم تبدیل شدند حرکت آنها بود تا مدتها پس از قیام همزیست بهشت دیوارها بود و با اعتلای جنبش آگاهانه، شعارها و دیگری بآن اضافه شد. گروه های انقلابی برای تعمیق و تداوم انقلاب شعارهای تازه ای بآن اضافه میکردند. شعارهایی نظیر: "شعار فدائی، استقلال، کار، مسکن، آزادی" و... نمونه های از این شعارهاست.

اما همچنان که ضد انقلاب با به های خود را محکم میکرد شعارهای توده ای از دیوارها محو میگردد و شعارها و فرمایشی و دولتی با سفید کردن دیوارها، توسط عوامل و مزدوران رژیم، خطای و نقاشی میشد. دیگر این شعارها را رنگ و جلوه شعارها و توده ای را که تبلور آرمانها و خواسته های توده ها باشد، نداشت، هرچند با رنگهای الوان و با سلیقه بسیار نوشته میشد. همه چیز برای حکومتی، زورکی و تحمیلی میگرفت و از همین رو نتوانست مردمی برمی انگیخت. و امروز تنها در کوچه پس کوچه ها - ست که هنوز بقایای شعارها نشانی که بدست توده های مبارز نوشته شده بود به همراه شعارهای جدیدی که تیروهای انقلابی، دور ز چشم ما موران رژیم نوشته اند، دیده میشود. و گرنه در خیابانهای اصلی شعارهای نقاشی شده رنگ و وارنگ، در مقیاس دهها متری کشیده شده است.

آری ضد انقلاب بدستال قبضه کامل را دیوبوتلو بیرون و تمام پروژها (یعنی کلیه رسانه های گروهی) دیوارها را هم تبول خود کرده است. اما کار به همین جا خاتمه نیافت. حرکت ضد انقلاب در همه ابعاد گسترش یافت: مثلاً در مورد تغییر نام خیابانها و میدانها، همانطور که بیاید - در رژیم بیکی بگزار جلوه های قیام خودجوش توده ها و اقدامات توده ای، عوض کردن نام خیابانها و میدانها بود. مردم با عبوس کردن نامها و یثا هشتا هی و متعلق به رژیم

شاه، نامهای جدیدی که بیانگر خواست ها و آرمانهای خلق، تجلیل از انقلابیست و شهید و شخصیت های مترقی و دمکرات بودی گذاشتند: خیابان انقلاب، خیابان جمهوری، میدان آزادی، بلوار رکنا و روز، خیابان مصدق، میدان شهدا، پارک گل سرخی، میدان رضا شیا، پارک زحمتکشان، خیابان فدائی کوچک سرمدی، پارک صد بهرنگی و... حتی پارهای از این نام گذاریها قبل از سرنگونی شاه انجام گرفته بود. اما بقدرت خزیدگی ضد انقلابی که نمیخواستند این حرکت مردمی را که از دل قیام برخاسته بود ببینند، از زمان ابتدا شروع به کنترل نام گذاریها کردند. و هنوز هم ما میگذشته بود که اسامی چند خیابان و میدان را که مردم گذاشته بودند ما سندخیابان فدائی، کوچک سرمدی، پارک گل سرخی و... را عوض کردند. اما از ترس بی پروائی و قشار جنبش توده ای جرئت نکردند بقیه نامها را که مردم بر سر خیابانها و میدانها گذاشته بودند و دیگر تثبیت شده بود، عوض کنند.

پس از یورش کودتا گونه حزب جمهوری اسلامی به حقوق و آزادی های دمکراتیک مردم ۱۵ خرداد با بیطرفی یورش به دست آورد های خلق، برای شویب اسامی خیابانها آغاز شد و اولین آن تعویض نام خیابان مصدق بود. آنها که از مدت ها قبل زمزمه تغییر نام می دادند، از خیابان ربه آیت الله کاشانی میگردند و موقع را مفتنم شمرده و با

تعویض نام مصدق دشمنی خود را با مبارزات شکوهمند ملی شدن نفت در سالهای ۲۹ تا ۳۲ نشان دادند. اما کارها اینجا خاتمه نیافت در روز ۱۷ مرداد روزی که همه اظلاع دادند که بنا بر تصمیم وزارت کشور نامهای ۱۱ خیابان و پارک و میدان تغییر کرد. رژیم با این عمل خود ما هیت کثیف و ضد خلق خود را در مدتی با قهر ما نا خلق، شهدای انقلابی و با زحمتکشان بوضوح نشان داد. وقتی میدان رضا شیا به میدان شیرتیدیل میشود، این بجه معنی است؟! آیا این جزیه معنی نفی مبارزات و دلاوریهای برادران و خواهرها رضا شیا، این مجاهدین خلق است که در سیاهترین دوران رژیم شاه ما ها آفریدند. آیا این جزئیات تکرار دروغها و دوروشیهای رژیم است که تا کنون ادعا میکند، مجاهدین در دوران رژیم شاه انقلابی بودند و چنین و چنان کردند و با منافقین فرق داشتند! پس چرا نام میدان رضا شیا عوض میشود؟ وقتی خیابان کریم پور شیراز بنا میباید که کسب تغییر بیباک این امر بجه معنی است؟ جز اینکه به جنایت رژیم شاه و اشرف پهلوی که کریم پور شیرازی این روزها مهنگار مبارزان در زندان موقت شهر با نی زنده زنده سوزاند صحنه میگذارد؟! وقتی پارک صد بهرنگی واقع در نظام آباد شمالی را بنا پارک فدک تغییر میدهند جز اینست که به تمام ملیونتها آبرائی که به صد بهرنگی بیک نویسنده و معلم مترقی و انقلابی ارجمی نهند دهن کچی کرده است. و با لایحه و مهمتر از همه تغییر نام پارک زحمتکشان واقع در جنوب غربی تهران بنا پارک رضوان بجه معنی است؟

مردم از دولت می پرسند: شما می که مدعی هستید حکومت مستضعفان (یعنی زحمتکشان) را برقرار کرده اید پس چرا از نام پارک زحمتکشان می پرسید؟! اما واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی برخلاف تمام ادعاها پیش آنقدر ضد کارگر و ضد زحمتکش است که حتی از لفظ زحمتکشان

هم وحشت دارد و نمیتواند ببیند لفظ زحمتکشان روی یک پارک باشد. درست مثل رضا خان که از لفظ کارگر وحشت داشت و دستور داد ده بودا بین لغت را از فرهنگ و ادبیات محو کنند. چنانچه وقتی یکی از وزرا در گزارش حضور خود گفت: "اقدامات ما در فلان و بهمان مورد کارگزاران و شاه با عصیانیت گفت: "مگر نگفتم کارگر نگویید" و وزیر بیچاره هم جمله خود را تصحیح کرده و اظهار داشت "اقدامات ما عملیه افتاد" و اکنون با دیدگاری ریحنگرامی شود و حکومت مدعی مستضعفان آنقدر از کارگران و زحمتکشان و همه دارنده نمی تواند ببیند حتی اسم یک پارک زحمتکشان باشد.

آری وقتی شعارهای توده ای بر دیوارها رنگ میزند و جای آنرا شعارهای فرمایشی و نقاشی شده حکومتی بگیرد و وقتی اسامی برگزیده توسط توده ها برای خیابانها، میدانها و پارکها بدست وزارت کشور مسخ و فرمایشی میشوند، دیگر حتی عقب مانده ترین و متواضع ترین توده ها درک میکنند که انقلاب بدست کارکنان ضد انقلاب نه تنها در محتوا، بلکه حتی در شکل های ظاهری آن نیز رنگ میبازد.

خمینی چه گفت؟

خمینی چه کرد؟

بقیه از صفحه ۱۳

در این رابطه توضیحات زیاد لازم باشد. دیدیم که رژیم جمهوری اسلامی چگونه تمام سعی خود را بر ترسیم و تحکیم بنا سرمایه داری وابسته نهاد. چگونه به سرمایه داران و امداد و آنان را به با زکشت و تشدید استعمار و ترغیب نمود و چگونه بحران اقتصادی را در این زده اکثریت محروم و فقیر را در خدمت مشتکی ثروت اندوز متجاوز قرار داد از سوی دیگر منظور خمینی از صنایع صادر و بنیادی را نیز فهمیدیم و دیدیم چگونه قرار دادها و تسهیلات و همه جا تسهیلاتی جهت تامین صنایع ما در مثل قرار داد خرید لوازم یکدیگر بیکان در ایفای چندین برابر قرار دادهای شاهانه و قرار دادهای واردات مواد اولیه کارخانجات و... بسته شد. دیگر رسوایی قرار دادها بی چون تا لیبوت و صد ها قرار داد نظیر آن، قرار دادها بی جهت واردات زردچوبه و تخم مرغ و مرغ و سایر چیزها... بسته شده است تا آن حد است که بنا زیه توضیح ندارد.

اما خمینی به این وعده ها نیز بسته نکرده و قول داد تورم را نیز آنهم بطریق هزار زدن بردارد و غارتگران داخلی خارجی از بین ببرد چنانچه دست دزدان و غارتگران داخلی و خارجی کوتاه شود... مساله ایست که تورم برای مملکت با قیام نخواهد آمد. "تورمی که با روزنامه سوم ۲۴ آبان ۵۷) اما پس از رسیدن به حکومت شاه بودیم که نه تنها دست دزدان و غارتگران با زینها ده شد، نه تنها آنچنان سیاستی پیشه کرد که تا در یک سال ۱۲۰۰ میلیاردر بول غارت کردند، بلکه با پیشه کردن سیاستهای ضد خلقی اقتصاد، تورمی لجا میساخته را باعث گشت. آنچنانکه در زیر بارگرانی توده های میلیونی به تنگ آمده اند. تورمی که قیمت اجناس روز بروز افزایش میباید، تورمی که دستمزد واقعی زحمتکشان را بیش از ۴۰٪ کاهش داده است، تورمی که تا سوزگه باعث شده بسیاری از کارگران و زحمتکشان، رنگ میوه و گوشت را فراموش کنند و در حشرت و خواسته های اولیه خود بیمانند.

وعده های خمینی در این موارد بسیار است. که با زهم به بررسی آن خواهیم پرداخت.



پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک (۳)

دموکراسی و دیکتاتوری در جوامع سرمایه داری وابسته

در حاشیه نطق خمینی

در تاریخ ۱۹ مرداد ماه

خمینی در سخنرانی ۱۹ مرداد ماه خود که در حضور انجمن اسلامی شرکت واحد دانشجویان خارج زکهور انجام شد، بیسه نکات افشاگرانه "و ظریفی" افشاگرانه نمود - لازم آمد به ذکر آنها بپردازیم.

خمینی در مورد انقلاب و شمراتش می گوید انقلاب ایران یک انقلابی بوده است که شمراتش زبا دو چشمگیر و با شمراتش نسبت به شمراتش کم "در مورد شمرات زبا دو چشمگیر" انقلاب بخشی نمیتوان داشت مسلم روشن است که ۱۲۰۰۰ میلیاردر ریال سودا لانه تجار، دزدیهای ۵۶ میلیون دلاری، قرا ردا دههای کلان تسلیحاتی، سودهای سرمایه ام و محترکین و سرمایه داران و... همه شمرات زیاد چشم -

گیری است که به جیب سرمایه داران، زمین داران و سران حکومتی رفته و خمینی آن سخن میراند، اما آنگاه که به سرمایه داران، هزاران شهید خلق کرد، هزاران شهید خلق های ترکمن و عرب و بلوچ، هزاران کشته جنگ ارتجاعی، میلیونها آواره، میلیاردها دلار خسارت، تا بودی صنا بعم، نزدیک به هزاران عدا می در کمتر از دو ماه هزاران زندانی سیاسی، خانوادها می -

دا غدار، میلیونها بیگار، فقر و فلاکت و حشانتک توده ها و... همه وهمه "فا بیعت کم" تا میدید می شود با بخدا را شکر بسیار کرد که فا بیعت زبا دو خمینی و رژیمش را نصیب ملت ما نکرد.

خمینی میگوید "هی میگفتند اختناق است، کو اختناق، حرفش را می میزدید، هی میگفتند اختناق است ایران چطور است چما قدر رند فلان... گویی خمینی با این سخنان خود رژیم جمهوری اسلامی را به ریشخند گرفته است. خمینی درست در لحظه ای بین سخن را میگوید که صدای هر یک از مسلسلهای دژ خمین در فضای زندانهای کشور لحظه ای قطع نمی گرد و هر شب ستاره های دیگری از آسمان سرخ انقلاب ایران به زیر کشیده می شوند. در لحظه ای که توده ها حکومت نظامی رژیم اختناق و سرکوب راهب عربیان ترین و وقیحانه ترین شکل خود درخیا با آنها و محلات می بینند. در لحظه ای که مردم حتی در خانه های خود ایمن نیستند با واگ وضامش با زما زی شده و تفتیش عقاید و سوراخ شدن با سوزن و استراق سمع تلفنهای... همه وهمه در با بیعت وسیع - انجام می گیرد و در لحظه ای که خودش مردم را به جاسوسی، تفتیش عقاید، خیرچینی و برقراری جو اختناق و هر چه بیشتر تشویق می کند، زهی بیشری!

خمینی میگوید "خالا این حرفها در کار نیست، از اقا قراوان، گران است البته، گران است هست و شما متوقع... با شید که قحطی بشود، بحمد الله خدا یتبارک و تعالی منت بر ما گذاشته است و قحطی در کار نیست قراوان البته گران است... خمینی که اینگونه دم زکوختنشان میزند هر آنچه از زکولووزرا و صاحب نمیان شنبیده

و فریب هم مورد استفا ده قرار میگیرد، ولی اینها فقط در رابطه با وسیله اصلی یعنی عامل سرکوب مستقیم می توانند مؤثر افتند (با سبزه فرصت طلبان - رفیق حمید مومنی) بطور مثال شاه منغوریا وجودیکه تمام - وسایل تحمیق از رادیو و تلویزیون و سینما تا آموزش و پرورش و چاپ و نشر کتب را - جهت بقای حکومت دیکتاتور خویشتن بکار گرفته بود اما عامل اصلی و شکل عمده بقای حکومتش را عامل سرکوب مستقیم تشکیل میداد.

لازم به تذکر است که اعمال دیکتاتوری توسط دولت بورژوازی وابسته هنگامی شکل میگیرد که "بالائیها نمیتوانند حاکمیت خود را اعمال کنند اما در شرایط حاکمیت بحران در جامعه و در شرایط اوچکیسری مبارزات توده ای و رشد تضاد در "بالائیها" زما نی که دیگر "بالائیها" قادر نیستند دویا حداقل بخوسی قادر نیستند دیکتاتوری - عربیان خود را اعمال کنند این کشا کین بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب است که مرز آزادی های دموکراتیک را تغییر میدهد و تعیین می کند. مثلاً "او خرزیم شاه منغوریا بخاطر سپا و رید بر اثر حاکم شدن بحران بر جا مع و ور شد مپا رزه طیفاتی رژیم حتی با بر سرگرا آوردن جلادی چون ازها رویوا اعلام حکومت نظامی نیز قا در به اعمال دیکتاتوری خود نمود و آنگاه سطح مبارزاتش توده ها بود که خود دیکراتیک حاکم بر جامعه را تعیین میکرد. اجتماعات در و ریخواست و آجازه بورژوازی حاکم شکل می گرفت، چاپ و نشر کتب و نشریات و وسعت میافت، نهادهای مبارزاتی توده ها چون شوراهای محلی... شورای کارخانه و... تشکیل گشت و... با دوسال گذشته را در نظر بگیرد که کم نیست.

بورژوازی قادر به تثبیت خود نیست. در نتیجه فضای حاکم بر جامعه و جوسبا سی موجود را کشا کش موجودین انقلاب و ضد انقلاب - تعیین میکند. اردوگاه ضد انقلاب در اثر هر بیورش که با زما ندھی و فایق آمدن بر نشا ده های درونی خود صورت میدهد. مقداری ز دستا وردهای خلق را به تاراج میبرد و توده ها توسط هر حرکت شعری دستا وردهای جدیدی بدست می آورند و دستا وردهای خود را تثبیت میکنند. فروریزی توهم توده ها نسبت به حاکمیت که خود را ملی در جهت تقویت صفوف انقلاب است به گسترش محیط دموکراتیک می انجامد و زما ندھی و شکل - گیری نهادها و سرکوب، بیکبار رجه نترشد - رژیم و فایق آمدن بر تضادهای درونی محیط اختناق را تشدید می نماید.

بهر رویطور کلمی رسالت دموکراتیزه کردن جامعه و حاکم نمودن دموکراسی در جوامع سرمایه داری وابسته بردوش پرولتاریاست. پرولتاریاست که قا در است با اعمال لوهیری خود بر جنبش خلق و بدست گیری قدرت سیاسی و برقراری دیکتاتور دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگران رسالت را به انجام رساند. و این خود یکی از عمده ترین دلایل وجودی دموکراسی توده ای در این جوامع میباشد (در این مورد در قسمتها بعدی - مفصلتر صحبت خواهیم کرد) ادامه دارد.

در جوامع سرمایه داری وابسته مسأله به شکل دیگری است. وابستگی این جوامع به امپریالیسم آنجا که شرایطی را ایجاد میکند که روبینا سیاسی دیکتاتوری تشکیل یک قاعده در این جوامع در میآید و دموکراسی بورژوازی در هر شکل خود مگر استثنائاً و بنا بر شرایط ویژه - که در هر حالت مشخص قابل تحلیل است مشکل نمیگردد. عمده ترین دلایل این مسأله عبارتند از:

۱- در سیستم سرمایه داری وابسته شدت و میزان استثمار کارگران بسیار بالاست. سرمایه داری در پی در صدی لای سود به این جوامع سرمایه داری میگردود و نتیجه شدت و میزان استثمار بالائی را میطلبد. این استثمار روحشانه در وجه عمده توسط پارتیشن نگاهداشتن سطح دستمزد و بهره گیری از نیروی کار ارزان، نگهداشتن "مزایا و پرداخت های اضافی در سطح - حداقل ممکن و... صورت میپذیرد. این شکل استثمار خود بخود نمیتواند وجود هر گونه نپا در مبارزاتی و یا شکل کارگری زحمت سندیکار و اتحادیه ها زما نهای دموکراتیک توده ای را حتی در دیکتاتورهای سرمایه داری با صلاحیتش رفته تحمل کند. و این رویای سیاسی دیکتاتوری است که قا در است چنین شرایطی را فراهم نماید.

۲- زحمتکاران شهر و روستا و قشار و طبقات دیگر خلق مورد غارت و جپا و لشدید امپریالیستی قرار دارند. بیرون کشیدن سودهای انحصاری آخرین قطرات ارزش - اضافی توزیع شده در جامعه را نیز میبلعد و از سوی دیگر انتقال وجه عمده ارزش اضافی حاصل به خارج زکهور وابسته (به کشورهای متروپولیتگان با لافتن سطح فاجتماعی را تشدید) کاهش میدهد. و تا مین خدمات عمومی را به حداقل خود میرساند.

۳- شکل گیری ورشده صنایع عمدتاً "پرونده ای بطئی" تراکننده شدن نیروی کار را زاده از روستا را طی میکند. و کلاً رشد محدود صنایع در این جوامع فا در به جذب در صدقا بلتوجهی از نیروی کار را را شده به با زار نیست این مسأله به ایجاد تضاد وسیعی زحاشیه نشینان شهری در اطراف شهرها و جوامع سرمایه داری

وابسته می انجامد که خود از ادیکالترین و متحرک ترین اقشار اجتماعانند. ۴- سیاستهای اقتصادی اعمال شده در سطح جامعه و حرکت سرمایه در وجه عمده - نیاهای درونی جامعه، بلکه متافع و - سیاستهای امپریالیسم شکل میدهد. ۵- غارت و حشانه منافع طبیعی مواد اولیه امکان بکارگیری بین مواد را جهت بالا رفتن سطح تولید و سطح رفاه اجتماعی شدت کاهش میدهد.

حفظ و بقای چنین سیستمی در جوامع وابسته و توده ای این شکل از استثمار و غارت انتقال در صدی لای ارزش اضافی تولید شده به خارج از جامعه، روبینا سیاسی دیکتاتوری عربیان را بعنوان مناسترین شکل اعمال حاکمیت طلب میکند. در این جوامع عموماً "دمکراتیزه شدن محیط به سرعت کل سیستم را از سوی جنبش مبارزاتی خلق بزرگسوال میکند. البته "در این شرایط فرهنگ ارتجاعی و وسایل تحمیق

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند

سائتراليسم دمواتيك

مقدمه:

در بی طرح بحث "سائتراليسم دمواتيك" و چاب اولين مقاله از سئری مقالات آن (دموکراسی بدوی) و قطع آن در شماره های بعدی این تصویر برای عده ای از رفقای پیش آمده بود که با حرفی بدون پشتوانه زده شده است و یا شاید ما زمان بحکم ضرورت می بایستی به این انحراف (دموکراسی بدوی) برخورد می کرد، و چون آن وجه سائتراليسم دموکراتيك را مختصراً "مورد انتقاد فرار داد، دیگر بقول معروف خرس از بل گذشته است و نیازی به ادامه بحث نداشته است و این دلیل انتقادات متعددی را به ما وارد دانستند.

اما واقعیت چیزی جز اینها بوده است. اولاً: طرح اولیه مقاله تدوین شده بود برای "فتح باب بحث حول این مقوله در نشریات درونی چاب شد و مسلماً تاکنون بسیاری از رفقا آن را مطالعه کرده اند. ثانیاً: در بی فعال شدن بحث حول تهیه پلانترم مبارزه و برداشتن به شعرا مرحله بی "مرکز سرحز جمهوری سلامی زنده باد شوراهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان و لزوم ترویج آن، عمده قوادرفته های بعد صرف آن شد. سپس نیز با شروع درگیریهای خیابانی (۳۰ خرداد) به بعد اولزوم یا سخکوشی به شرایط نوین و سازماندهی نویسن توجه به این مباحث معطوف گردید. و با توجه به توان نسبتاً کم ما (انهم در شرایطی چنین متحول و بحرانی و عقب ماندگی چشمگیر ما - وهمه بیشروران طبقه کارگر - از جنبش زنده های ادا به بحث حول مقوله "سائتراليسم دموکراتيك" در کار عملاً متوقف شد.

با این امید که با ردیکر حوادث و ال معمول کار ما را به هم نریزد بحث مجدد را از "کنگره" به مثابه عالیترین شکل تجلی اراده، نوده های سازمان پرولتری آغاز میکنیم، در مقدمه بایستی توضیح دهیم که چرا به مقوله "کنگره" پس از "دموکراسی بدوی" می پردازیم؟ و چرا از میان این همه مباحث متعدد، دو وجه متضاد "سائتراليسم دموکراتيك" این مطلب انتخاب شده است. هما نظور که رفقا به خاطر دارند در آن مقاله گفته بودیم که مدت ها طول کشید تا در میان کارگران این تصور از بین برود که تمام کارها را باید تمام اعضا انجام دهند و همه باید درباره همه مسائل نظر بدهند و همه تصمیم ها متکی به آرای مستقیم آنها باشد، و جای آن را ابسده درست "نهادهای نمایندگی و از جمله جلسات مجمع عمومی بگرد و با انتخاب نمایندگان و رهبران امر هدايت اتحاد - به های کارگری در قاطعه، بین دو مجمع بعهده، نمایندگان منتخب سیرده شود. به عبارت دیگر ما در آن مقاله بطور ضمنی در مقابل "دموکراسی بدوی" که به

مثابه یک انحراف در اصول تشکیلاتی درک درست و علمی "نهادهای نمایندگی" را طرح نمودیم اما از آنجا که معتقدیم در یک مقاله بایدی یک موضوع محوری انتخاب شود و همان موضوع تا حد ممکن توضیح داده شود، در آن مقاله به این مسئله نپرداختیم اکنون وقت آن است که یکی از طرق نامین عالی ترین سطح دموکراسی درون تشکیلاتی را در یک سازمان پرولتری (حزب) توضیح دهیم.

کنگره

تجلی دموکراسی سازمانی

کنگره عالیترین ارگان حزب است که معمولاً "بفواصل معین" (مثلاً هر دو سال) برگزار می شود. بدین ترتیب که بدعوت کمیته مرکزی (که خود منتخب کنگره قبلی بوده است) و با به تقاضای تعداد معینی از اعضا با کمیته های حزبی (مثلاً آنها) فراخوانده می شود. اعضای شرکت کننده در کنگره نماینده نمایندگان کمیته های مختلف حزبی میباشند که برای شرکت در کنگره انتخاب می شوند، تا ضمن بررسی عملکرد حزب و ارگانهای مرکزی آن در طول مدت معین (در جهت پیشبرد برنامهای تصویب شده در کنگره قبلی) کمترین پیوند توده ای، شکل و سازماندهی نوده ها، ارتقاء سطح آگاهی آنها، ارتقاء تشکیلات، و بطور کلی پیشبرد امر مبارزه طبقاتی و حرکت در جهت تحقق آرمانهای پرولتری) نتایج دستاوردهای مبارزاتی این مدت را جمع بندی کنند، و به صورت مصوبات کنگره به آنها قطعیت بخشد. کنگره زمانی رسمیت می یابد که تعداد معینی از کمیته های حزبی با اعضا (مثلاً بیش از نیمی از آنها) که در حین تشکیل کنگره وجود دارند، نمایندگان بنا بر آیه آن کنگره فرستاده می شوند. بعلاوه کمیته مرکزی می تواند در رفقای راکه تشخیص می دهد صورتها در کنگره ممکن است مفید باشد برای مشورتی به آن دعوت کند تا هم تصمیمات کنگره بر نظریات توده های هر چه بیشتر متکی باشد، وهم بحث ها و بررسی ها فعال تر و همه جانبه تر باشد. کنگره به مثابه عالیترین شکل تجلی اراده نوده های تشکیلات دارای وظایف متعددی است. از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تحکیم و تثبیت دستاوردهای جنبش خلق، جنبش طبقه کارگر و سازمان پرولتری بصورت مصوبات کنگره. در مورد کنگره، اولیاً باید به عبارتی کنگره، "مؤسسان" (که معمولاً با شرکت همه اعضا برگزار میشود) باشد که وظیفه آن اینست که بقرسیم هویت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی آن جریان که در طی مبارزات اولیه اش طرح و تدوین

شده است (برنامه و اساسنامه) میبرد از دو بآن جریان هویت سازمانی واحد میبخشد بعنوان مثال کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه چنین کنگره ای بود و لنین در "یک گام به پیش دو گام به پس" درباره آن چنین میگوید: "وظیفه عمده کنگره (دوم) چه بود؟ بجا دیگر حزب واقعی بر طبق آن مباحث اصولی

و تشکیلاتی که "ایسکرا" طرح و تنظیم نموده بود. (مجموعه آثار صفحه ۱۵۱) دیگر اینکه کنگره ها به تحلیل اوضاع و احوال و ترسیم چشم انداز آتی می پردازد و وضع موجود و سیر آتی (روند) اقتصادی و سیاسی (بویژه نقش حاکمیت، تضادهای درونی آن و نیز موقعیت و روند تحولی سازمانهای سیاسی غیر پرولتری و - پرولتری) را معررا بررسی می کند و سپس روش پرولتاریا را در قبال آن ها تعیین می نماید. بعلاوه به ارزیابی عملکرد سازمان از طریق بررسی تحلیلی - انتقادی گزارش کمیته مرکزی می پردازد و ضعفها و قدرتهای سازمان، مباحثی سیاسی - ایدئولوژیک، تحلیلی، طرح تشکیلاتی و رهبران آن را روشن می نماید تا این خودتخته پرشی برای ارتقاء توان مبارزاتی سازمان از طریق تصحیح اشتباهها و ضعفهای برنامها و تاکتیک سازمان و نیز رهبران گردد.

۲- تعیین ارگانهای عالی سازمانی (بعبارت دیگر تصویب اساسنامه) تصحیح و تکمیل اساسنامه قبلی در صورت نیاز) و انتخاب اعضای آنها. مثلاً در تجربه سوسیال دموکراسی روسیه انتخاب اعضای "کمیته مرکزی" ارگان مرکزی "ایسکرا" و "شورای حزبی" بعهده کنگره دوم حزب بود. در حالیکه در کنگره سوم "شورای حزبی" اساسنامه حذف شد و در نتیجه انتخاب کمیته مرکزی بعهده کنگره سوم محول گردید.

در اینجا باید بردونگته فوق العاده مهم با دو وجه اساسی مقوله مورد بحث تا کیدسیا رکود: اولاً: "کنگره (یعنی اراده نوده های تشکیلات) با انتخاب کمیته مرکزی اقتدار (توریت) و اختیارات خود را (یعنی مصوبات کنگره را) تا کنگره بعدی بآن تفویض میکند و امر تحقق و پیاده کردن مصوبات را بر عهده مرکزیت (با ارگانهای مرکزی)، با آن نظور که ما در مقدمه اشاره کردیم "ارگانهای نمایندگان"، میگذارد تا با بتکار خود آنها را اجرا در آورند. مسلم است که در صورت ناتوانی مرکزیت در مادیست بخشدن بدین مصوبات و یا در صورت منحرف شدن از خط و مشی تصویب شده در کنگره، این ارگان عالی در موعسد مقرر (کنگره بعدی) یا حتی در اجلاس فوق العاده (بدعوت توده های تشکیلات) اختیارات تفویض شده بمرکزیت را با پس گیرد و به متخین تازه بسپارد. و این تجلی کامل وجه دموکراتيك این اصل اساسی سازمان پرولتری (سائتراليسم دموکراتيك) است.

ثانیاً: "کلیه مصوبات کنگره و انتخابات آن و کلیه تصمیمات کمیته مرکزی در چهار رچوب مصوبات بمانا به تصمیمات سازمانی تلفی میشود و تمام سازمانهای حزبی باید آنها را حتماً به اجرا در آورند. این تصمیمات از طرف هیچکس بیهیج بهانه ای نمیتواند نقض

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ارقام سخن می گویند:

بقیه از صفحه ۲۰

تحریم کرده و دست ردیسنه رژیم جمهوری اسلامی زده اند.

این یک اصل انکارنا پذیر است که شهرهای بزرگ در تمام جنبشها و انقلابات در تمام جهان نقش بسیار مهمی داشته اند. ما خودشا هدیو ده ایم که مبارزات مردم شهرهای تهران، تبریز و... در قیام علیه رژیم شاه و سرنگونی آن جقدر موثر بودند. تاریخ نشان داده است در انقلابات فرانسه، روسیه و... شهرهای باریس، مسکو و... نقش سرنوشت سازی ایفا کرده اند. انبن در رابطه با اهمیت شهرهای بزرگ در سرنوشت انقلاب در مقابل مجلس مؤسسان و انقلاب پرولتری چنین میتوانیم: "شهرهای بزرگ یا بطور کلی مراکز بزرگ تجاری و صنعتی تا حد بسیار قابل توجهی سرنوشت سیاسی ملت را تعیین میکنند. البته باین شرط که این مراکز توسط نیروهای سنده محلی و روستائی حمایت شوند، حتی اگر این حمایت ها بلاواسطه بعمل نیاید.

حال باین مقدمه به بررسی نتایج انتخابات تهران می پردازیم:

فلا! اینرا بگوئیم که جمعیت شهر تهران حدود هفت میلیون است (هر چند با مهاجرت وسیع جنگزدگان و غیره این جمعیت با بدیشتر هم شده باشد) و از این عده جمعیت با نژده ساله به بالا که حق رای داشته اند حدود ۶۵ درصد را تشکیل میدهند که جمعیتی معادل ۴/۵ میلیون را شامل میشوند. حال بگذریم که هیئت نظار "مکتبی و منعمه" انتخابات کاری به سن شناسنا نمنداشتند و از کودکان شیرخواره هم درین نکرده بگذریم که گزاشگران ما گزاش داده اند که چه بسیار کودکان ۶-۷ ساله با دردست داشتن شناسنا مه در جلوی حوزه رای گیری دیده شده اند که همراه والدین خود رای داده اند. البته این امر تعجبی ندارد زیرا وقتی در جمهوری اسلامی نوجوانان دوازده سیزده ساله میتوانند اعداد شوند، چرا کودکان ۵-۶ ساله نتوانند رای دهند؟! و بگذریم که برای هیئت نظار شرکت حضوری افراد در حوزه ها مطرح نبود آنها تنها بیا شناسنا مه" کار داشتند! بهر حال نتایجی که رژیم برای انتخابات شهر تهران اعلام کرده بشرح زیر است:

تعداد رای از صندوق بیرون آمده ۲/۱۰۵۴۸۸ آراء رجائی ۱/۶۹۲۸۲ - آراء به کاندیدای دیگر ۲۸۹۵۱۷ آراء باطله ۱۲۱۱۲۲ جمع آراء غیر رجائی ۴۱۰۶۳۹

از آرائیکه قبل از مهروموم به صندوق ها ریخته، آراء قلابی که با شناسنامه های مردگان و کودکان، آراء تکراری و غیره که همه بیا رجائی انداخته شده بگذریم بنظر ما بقیه آراء از طرف گروههای زیر به صندوق ها ریخته شده است:

۱- کسانیکه هوادار حزب جمهوری اسلامی هستند، یعنی تجار بزرگ و متوسط با زار وابسته به حزب و خانواده ها بیا رجائی از خرده بورژوازی سنتی که با ذهنیت شدید مذهبی هستند، با سداران و خانواده ها بیا رجائی، اقشاری از زمین پرولتاریا و خانواده ها بیا رجائی که اینها با رضا و رغبت به رجائی رای داده اند.

۲- کسانیکه تحت تاثیر تبلیغات شدید رادپوتلویزیون و فتاوی آیت اللهها

و اما جمعه ها و روی اعتقادات مذهبی و اینکه رای دادن تکلیف شرعی است - کورگورانه به رجائی رای داده اند که در صورت نبود چنین فضای اجبار مذهبی با توجه به بی اعتمادی به نهاد های جمهوری اسلامی و تجربه گذشته ترجیح میدادند در انتخابات دخالتی نکنند.

۳- کسانی مثل ارتشیان و خانواده ها - بیا رجائی، پرسنل شهریائی و زاندارمیری و خانواده ها تا بوسیله کارمندان و کارگران که با اجبار بیا رجائی صندوق رای گذاشته شده و مجبور بودند به رجائی رای دهند.

۴- کسانیکه تحت تاثیر تبلیغات و شایعات مبنی بر اینکه اگر رای ندهند چنین و چنان میشوند و خلاصه برای خوردن مهر در شناسنا مه او از روی ترس و اعراب بیای صندوق ها رفتند و ورقه رای بسردون صندوق انداخته و شناسنا مه شان را مهر کرده اند. این عده به گروههای زیر تقسیم میشوند:

الف - کسانیکه شدت ترسان آنچنان - بوده که کلا "تسلیم اعراب رژیم شده و نه تنها بیای صندوق رفتند بلکه جرئت نکرده اند از خواست رژیم تخطی کنند سنا - براین به رجائی رای داده اند. چون در بسیاری از حوزه ها - بخصوص در تهران - مشخصا "از افراد میخوانستند به رجائی رای دهند و اگر فردی میخواست کس دیگری را بنویسد از او بازخواست میکردند. علاوه بر آن افرادی که در محلات خود رای میدادند و نمیخواستند در مقابل هیئت نظار که از افراد سرشنای محلی بودند موضع مخالف بگیرند علیرغم تمایل خود به رجائی رای میدادند.

ب - کسانیکه کمتر مروج تبلیغات و شایعات شده، ضمن دادن رای برای خوردن مهر در شناسنا مه نخواسته اند کلا "به خواست رژیم ندهند. آنها چون میدانشنا که کاندیدای دیگر هیچکدام شانس انتخاب شدن را ندارند و در عین حال چون تعرفه های تهران شما ره داشته که با شماره مشخصات آنها که از روی شناسنا مه مینویسند یکی بیا رجائی می ترسیده اند اگر رای باطله بنویسند ممکن است بعدا "برایشان درد سر شود لذا برای اسرا مخالفت با رجائی که کاندیدای حکومت بود، یکی از کاندیدای سه گانه را نوشته اند. و گرنه اگر به جمهوری اسلامی و سردمداران آن اعتقاد داشتند از آنجا که همه حتمی سه کاندیدای دیگر خود گفته بودند سنا به رجائی رای میدهم بیا براین آنها مه بیا به رجائی رای میدادند. زیرا کاندیدای سه گانه حتی برای خودشان تبلیغ هم نکردند. بیا براین مسلم است کسانی که به کاندیدای دیگر رای داده اند از یک طرف مهر در شناسنا مه را میخواستند و از طرف دیگر میخواستند به رجائی هم رای دهند و در عین حال بخاطر جو بیسی و اختلافی حوزه ها، شما ره دار بودن تعرفه ها و ترس از عواقب آن شهادت نوشتن رای باطله را نداشتند. پس با اعتقاد ما جمع آراء به تقسیم کاندیدای یعنی ۲۸۹۵۱۷ رای را بیا بدیه حساب مخالفین و تحریم کنندگان گذاشت.

ج - کسانیکه بخاطر خوردن مهر در شناسنا مه و ایمنی از عقوبت نداشتن مهر بیای صندوق رفتند ولی شهادت سنا از دسته پیش بیشتر بود ملاحظاتی فنی را نکردند. اینان در تعرفه رای اساسی افرادی غیر از چهار کاندیدای کلمات و جملات توهین آمیز به حکومت را نوشته و با املا رای سفید انداخته اند که مجموع این آراء ۱۲۱۱۲۲ رای بوده است.

با این ترتیب با یک حساب سرانگشتی ما در انتخابات ریاست جمهوری در تهران یک رقم پیش از چهار صد هزار آراء کمه منعلق بکسانی است که بیای صندوق رفتند و به رجائی و یا به نریکونیم - جمهوری اسلامی رای مخالف داده اند. از آراء اعلام شده میماند یک میلیون و شصدهزار آراء که بیا رجائی از صندوق بیرون آورده شده که عبارتند از: آراء - گروههای ۲ و ۳ و الف ۴ یعنی کسانیکه از روی ترس و تحت تاثیر تبلیغات از تکلیف شرعی، آرائیکه از روی اجبار شغلی و آرائیکه برای خوردن مهر در شناسنا مه کلا "تسلیم اعراب رژیم شده و به رجائی رای داده اند. علاوه - آراء قلابی که از ابتدا بیا رجائی "بدرود" صندوق ها ریخته اند، آرائی که صرفا " با آراء شناسنا مه ریخته شده و با لایحه آراء کسانیکه چند بار و اوراق مختلف رای داده اند. مجموع این آراء بیش از یک میلیون رای خواهد بود. بیا براین بحرث میتوان گفت که تعداد آراء واقعی که به رجائی در تهران داده شده - بیش از ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار نفر نبوده است. این رقم در مقابل جمعیت و بعد تراست رای یعنی ۴/۵ میلیون فقط ۱۳ درصد می باشد.

با این وضع تقریبا ۴ میلیون نفر از کسانیکه واجد شرایط رای دادن - بوده اند عملا "به جمهوری اسلامی رای - کیو داده اند. این مثنی است از خروار و قتی مردم آگاه و مبارز شهریائی که نقشی سرنوشت ساز در جنبشها و انقلابات گذشته داشته اند و با تحریم عملی انتخابات ریاست جمهوری، مهر باطله بر آن میزنند آبا با از هم رجائی میتوانند با قاضحت ادعا کنند که رئیس جمهور منتخب مسردم است؟! آبا هنوز هم رجائی و سایر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت خود را منگی بر نژده های آگاه و همیشه در محنه میدانند!؟

اراده کنید، بیا خرید!

بقیه از صفحه ۲

رفقای کارگر پیشرو بیا با اهمیت آزادیهای سیاسی را برای طبقه کارگر، بنژده های کارگر خا طر نشان سازند و آنها را بدافع از حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی فراخوانند، از شوراهای انقلابی در سراسر شوراهای قلابی دفاع کنند و سرخشا نه با انجمن های اسلامی، این نهاد های زواشند حزب جمهوری اسلامی، این نهاد های ضد کارگری، سرکوب و اختناق مبارزه کنند. رفقای کارگر! دست بدست هم دهید، بیا خرید، مبارزه خود را تشدید کنید و بوزه رژیم جمهوری اسلامی را خاک بمالید. رفقای کارگر بپوش با شیدا! اکنون لحظات سرنوشت ساز و تعیین کننده ای را از سر می گذرانیم، سرنوشت انقلاب در دستان نیرو مند شماست. در بیا پیش آمده ها قرار بگیرید و بر جمدار بیا شناز مبارزه در راه ندوم و پیروزی انقلاب صدا میرا بایستی - دموکرا بتک خلقهای ایران باشد.

اراده کنید! بیا خرید! هر کارخانه را بد ز تسخیرنا بدیر مبارزه کارگران علیه رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی تبدیل کنید و تا پیروزی بیا شنا از بیا تنشنید. پیروزی آزان کارگران و نژده های زحمتکش و شکست سرنوشت محتوم مرتجعین است.

زنده باد طبقه کارگر قهرمان ایران، مرکز سرزمین ضد انقلابی و ارتجاعی - جمهوری اسلامی



از کانون نویسندگان ایران بدلیل
محدودیت صفحات و عدم امکان چاپ تمامی
مطالب پیوسته می‌طلبیم.

بخشی از اعلامیه کانون نویسندگان ایران

خطاب به مردم قهرمان ایران

..... اکنون سایه شوم دسته‌های
چاقو کشان و اوپاشان و قداره سندان تحت
حمایت ژن - ۳ بدستان حکومتی بر سر تا سر
خاک خونین میهن ما بیش از پیش گسترش
می‌یابد. حکومت که خود را قسیم مردم
میداند، همچون سپاه مغول دستاوردهای
قیام خونبار ما را به تاراج می‌برد.
آنها زیرنا مستضعفان جیب
مستکبران را بر می‌کنند، زیرنا م دین،
مسلمانان انقلابی را به جوخه اعدا
می‌سپارند، زیرنا م خلق، خلقها را قتل عام
می‌کنند، زیرنا م مبارزه با امپریالیسم،
مبارزان انقلابی و ضامپریالیست را
تیرباران می‌کنند، زیرنا م استقلال،
بایستن قراردادهای اسارت آور، -
وابستگی را تشدید می‌کنند، زیرنا م آزادی
آزادی خواهان را به خاک و خون می‌کشند.
دریک کلام زیرنا م انقلاب، با تمام توان
کمره نابودی انقلاب بسته‌اند.

زحمتکشان و روشنفکران جهان
مردم قهرمان ایران
این خون بهترین فرزندان خلق
است که از جنگال رژیم می‌چکد، نگذاریم
یک حکومت فزون وسطائی مبتنی بر
تخفیرتوده‌ها سر نیزه‌اش را بیش از این
در دل مردم ما فرو کند. باید برای افشای
جنایات هولناک رژیم جمهوری اسلامی با
تمام قوا یکوشیم، این فریاد مردمی است
که می‌خواهد توجه همه وجدانهای بیدار
جهان را به سلیخی جلب کند که رژیم
جمهوری اسلامی بسا کرده است.

کانون نویسندگان ایران سراسر
منشور خود موظف است از همه آزادیهای
دموکراتیک دفاع کند و در مقابل تجاوز
به آن قاطعانه بایستد. کانون نویسندگان
ایران نمی‌تواند نسبت به این سفاکیها
و آزادی کشی‌هایی اعتنا نماید. ما از
مردم و نیروها و گروه‌های انقلابی داخل
کشور و از همه مردم آزاد جهان و روشنفکران
ترقیخواه، از همه آزادیهای انقلابی
میخواهیم که صدای اعتراض خود را بر علیه
ستمی که بر مردم ما می‌رود همچون دوران
مبارزه علیه دیکتاتور نوری شاه بلند کنند و
با افشای جنایات رژیم، سدی در مقابل
تجاوزات آن ایجاد کنند. اکنون جان
هزاران زندانی انقلابی میهن ما در
خطراست. برای حفظ جان فرزندان
انقلابی خلق از هجرانی که می‌توانیم
تلاش کنیم.

زنده باد آزادی
کانون نویسندگان ایران

۶۰/۵/۸



این نعره من است
این نعره من است که روی فلات می‌بجید
و خاکهای سکوت زمانه تاریک را می‌شوید
و با هزاران مشت گران
بر آبهای عمان می‌کوبید
این نعره من است که می‌رود
خاکستر زمان را از خشم روزگار

ای گلشن ستاره دنباله دار اعدا می
در باغ ارغوان
در از دام خلق
در دوردست و نزدیک
من هیچ نیستم
جز آن خمسه‌ای که در زمین یک انقلاب
می‌گذرد

سپه و سترگ و خونین
در خون توده‌های زمان می‌غلطد
تا مثل خا رسوبات و درشتی
روئیده بر قلعه‌های گل سرخ
آینده را
بنماید

در چشم روزگار
با داورشهادت شوریدگان خلق
بر ارتش مهاجم این نازی
این سزار

سعید سلطانیور

قسمتی از پیام کانون نویسندگان ایران به هنرمندان و اهل قلم

خود همه شما را مخاطب قرار داده‌ام
نقش و مسئولیتی را که در این لحظات
حساس در برابر تاریخ و مردم بر عهده
دارید یادآوری کند. اکنون آنچه در
برابر ملت ستمدیده و مبارز ما قرار دارد
جسم انداز هولناکی از خون و آتش، قهر و
سرکوب و ترور و خفقان است. هر چند
تشیخ آنچه در فراسوی این جسم انداز
می‌گذرد کارآسانی نیست، اما آن که
به پیروزی نهایی حقیقت و خرد بر دروغ
و جهل و رهایی قطعی توده‌ها از ستم و
زور ایمان دارند، از حضور دستگیر خود
در این کشاکش تاریخی ویدیرفتن
خطرات و دشواری‌های آن باکی ندارند.
در عین حال این بزنگاه تاریخی فرصتی
بدست می‌دهد تا دربر توحقایقی که به یمن
خون‌های پاک نثار شده در راه بیداری
و پیروزی خلق همچون آفتاب درخشانده
از پس ابرهای فریب و تزویر آشکار شده -
اندیشه‌های سنجی کردارها و پنداره‌های
خودبرخیزیم. برده، کوردلی‌ها و حزم -
اندیشی‌ها را از ازمه بدریم و جا بجا رانستین
خویش را در این هنگامه نیرومیان ظلمت
و نوردنیا بیم و صمیمانه در صف خلق قرار
گیریم. در برابر آنچه اکنون بر سر زمین
ستمدیده، ما می‌گذرد، دیگر سکوت، ممانعت
جا بر نیست و هیچ غازه توجیه‌گرانه ای
نمی‌تواند چهره بلیبد جنایات ضد بشری
و ضد مردمی را از نشین و با توجه گران
ممانعت گرو و همدست با قدرت را در پیشگاه
تاریخ و داوری خلق شکر کند. "فردا
که پیشگاه حقیقت شود دیدید "هریک از ما
فقط با کارنامه اعمال خود در برابر
خلق حاضر خواهیم شد.

۶۰/۵/۸

کانون نویسندگان ایران

..... از دو ماه پیش تاکنون کس
ارتجاع افسار گسیخته یا کنار گذاشتن
نیمه ملاحظات و رویه کاری‌ها، با زبریا
نهادن همه تعهدات و وعده‌هایی که در
پیشگاه مردم عنوان کرده بود، بدون -
توجه به حضور دشمن خارجی در بخش مهمی
از خاک میهن و آوارگی وی سروامانی
میلیون‌ها نفر از هم میهنان ما، بپوش
سراسری خود را برای از میان برداشتن
همه دستاوردهای جنبش انقلابی و
نابود کردن همه عناصر آگاه، مترقی
و انقلابی ایران آغاز کرده است تا زهم
شاهد سکوت، ممانعت و حتی همدلی
و همدستی با ارتجاع از سوی بسیاری از
با ملاحظه هنرمندان، نویسندگان و اهل
قلم هستیم که گوئی رسالتی جز از این
قدرت حاکم و توجیه هر نوع بیدادگری
بر خلق و با حداقل سکوت در برابر آن
برای خود نمی‌شناسند. طرفه ایست
که این سرسیردگان قدرت به جای اعتراض
به اعدام جوانان انقلابی اختلاف عقیده
خود را با این فرزندان دلیر خلق به رخ
مردم می‌کشند و جا بجا به ارجحان شرع
میخواهند که لطف فرموده و دلایل اعدام
آنان را اعلام کنند.

هنرمندان، نویسندگان، شاعران،
روزنامه نگاران و کارگزاران مطبوعات
ورسایه‌های همگانی!
در این شرایط دشوار و بحرانی، کانون
نویسندگان ایران، بمناسبت آنگانی که
سالهاست منادی و مدافع خواست‌ها و
نظریات اهل قلم در زمینه آزادی بیان
و اندیشه بوده، با توجه خطرات عظیمی
که اکنون همه آزادیهای فردی و اجتماعی
را تهدید می‌کند، وظیفه می‌رود خود میداند
که ضمن تجدید عهد بر اصول و هدف‌های

سازشکاران بدانند کارگران بیدارند



بمب اندازی کمیته چی ها بسوی مامورین شهربانی

رژیم های ارتجاعی هرگاه حیات خود را پایان یافته می بینند برای اینکه چندصفا حی در مسند قدرت بمانند دست به کشتار و جنایت و سرکوب و احساد رعب و وحشت میزنند تا بحیال خام خود جلورشدن مبارزات توده ها را بگیرند و آنها را از میان اعتراضات و مبارزاتی های خود با زدارند. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون هر رژیم ارتجاعی و جنایتکار دیگری برای تثبیت قدرت خود به هر شیوه ای متوسل میشود و سعی میکند از تمام راههای ممکن به توهیم توده ها دامن زده و آنها را نسبت به نیروهای سیاسی بدبین کند.

از شیوه های معمول این جنایتکاران مخدوش کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب است. بعد از ظهر جمعه شانزدهم مرداد ماه یک وانت با رفرمز رنگ با سه سرنشین در حالیکه با سرعت از مقابل وزارت - کشور می گذشت تعدادی یک بمب صوتی را بطرف مامورین شهربانی تکمیلان وزارتخانه پرتاب کنند اما با سرعت زیاد دو جود دست انداز بمب بوسیله خیابان افتاد و با صدای زیادی منفجر شد. مردم بوسیله خیابان ریختند، یک پلیس شروع به تیراندازی کرد و در همین حین یک اتومبیل کشتی پلیس که بحمل رسیده بود توانست وانت با رفرم متوقف کند. مامورین سرنشینان وانت را بیدار کرده و ضمن کتک زدن آنها، به بازرسی بدنی آنها پرداختند.

و کارت کمیته و سیاه با بداران از حبس آنها درآوردند. ماموری که کارت ها را بیدار کرده بود آنها را به مردم نشان می داد. در همین حین یک اتومبیل حامل با بداران رسید و با بدارانی بدون مقدمه به دستگیرشدگان حمله کرد و آنها را زیر ضرب گرفت. اما یکی از آنها گفت "برادر! چرا میزنی، منم کمیته ای هستم!" با بدار متوجه شد و بلافاصله سعی کرد در سه نفر از دست مامورین شهربانی بیرون بیاید اما مامورین مقاومت می کردند و سرانجام نیز آنها را با خود به کلانتری بردند.

این حادثه تعدادی از مردم ناآگاه را تعجب زده کرده بود و می گفتند اینها که دارند کارهای ساواکی ها را می کنند! ساواکی ها هم همه جا آتش می زدند و میگفتند خرابکارها کردند! مردمی از میان جمعیت در جواب این حرف گفت: "مگر فرقی دارند".

پرولتاریا و آزادیهای دموکراتیک ۳

صفحه ۱۵

گزارشی از زندان اوین

بما نندشا بیکه بعلت گرمای زیبا دکمتر بدانجا بیاید! رفتن ما موران زندان و با بداران سرما به آنقدر خشن و وحشیانه است که روی زندانسانان شاه را سفید کرده است. مدام مادران را سرگردان می کنند و برای تحویل لباس یا دارو برای زندانی وعده روز بعد را میدهند اما در روز موعود از دریا فت آن خودداری - می نمایند و سعی دارند این احساس را بدیدار ورنده که زندانی با اعدام شده و یا به زندان دیگری منتقل گردیده است و بر تشویش و نگرانی مادرانی که جگر گوشه شان را پس از سالها رنج و زحمت بشمرم شده اند میفزایند و آگریس از بارها و بارها مراجعات مکرر موفق به ملاقات شوند با فرزندان لنگان و شکنجه شده خود مواج می شوند. این فرزندان انقلابی خلق علاوه بر اینکه خود تحت شدیدترین شکنجه ها شامل شلاق، سوزاندن بدن و... هستند هر لحظه تا هدا اعدام یا بر هر زمان خودنیز می یابند. اما دیری نخواهد پاید که مادران و سایر بستگان انقلابیون بهیمرایه خلق رزمنده ایران درهای این کشتارگاه را بگشایند و اوین را بسوی کورستان رژیم جمهوری اسلامی و عملش بدل سازند.

روزشنبه ۱۷ مرداد ماه بود، طبق معمول خانواده های زندانسانان جمع بودند و همه با نگرانی به روزنامه جمهوری اسلامی خیره شده بودند زیرا اسمی اعدام شدگان را نوشته بود. ۴۰ نفر از مادران - اسمی فرزندان شان را در لیست اعدام شدگان می یافتند. از شدت تا شرو بعلمت شوک عصبی ناشی از کشته شدن فرزندان انقلابیشان بحالت بیهوشی افتادند و سایر مادران با حالتی بهت زده و وحشیانه نگران به مادران داغ دیده خیره شده بودند. یکی از شهدا دکتر ما دقا فمشه بزرگ بیمارستان سینا بود که بعلمت مداوای مجروحان درگیری ۳۰ خرداد تیرباران شد و ششها جرم او اجسرای وظائف انسانی یک بزرگ مسئول و معهد بود از رژیم جمهوری اسلامی "نیم کش" را با بدنام کش کرد و جرم او این بود که نیم کش را مداوا کرده بود. پس از اینکه مادران شهدا را با سایر مادران همراهی کردند برای کسب خیر از فرزندان دستگیر شده خود با ملاقات با آنان در - قاضیه ستری مقابل زندان جمیع شدند چرا که از دو هفته پیش حتی مادران حق ندارند زیرا بیان مقابل کیشیه صف بکشند و حتما "با بیدار آفتاب داغ -

دریافت پول تیر نهایت بی شرمی و وقاحت رژیم

خانواده های شهدا که میخواهند از محل دفن فرزندان انقلابی خود با خیر بمانند، تمهید می دهند که تشییع جنازه نداشته باشند اما هنگامی که میخواهند جنازه را به قبرستان ببرند با استقبال و شرکت وسیع مردم و پرسرو می شوند. حدود سه الی چهار هزار نفر بیست جنازه راه می رفتند و با شعارهای انقلابی، نفرت و کینه خود را بیان میکردند. مردم اجساد انقلابیون را تا قبرستان شایع کرده و به خاک سپردند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، چندی پیش بدستال اعدام به مجاهد در فوسات به خانواده های آنها می گویند اجساد را تحویل می دهند بشرطی که هیچ تشییع جنازه ای صورت نگیرد! علاوه بر شرمناکه از هر خانواده می خواهند پنچ هزار - تومان با بت پول تیر بدهند! (مزدوران جنا بنگا رژیم شاه نیز با همین وقاحت و بی شرمی در ازای تحویل اجساد - انقلابیون اعدام شده از خانواده های آنها پول تیر می گرفتند!)

ارقام سخن می گویند:

بررسی آماری نتایج انتخابات ریاست جمهوری در تهران سند دیگری بر رسوائی انتخابات و تحریم قطعی توده ها

بررسی نشان خواهد داد که مردم آگاه و مبارز تهران که تحت تاثیر شرایط سیاسی - اجتماعی، موقعیت طبقه کارگر و... از آگاهی و روحیه مبارزاتی بیشتری برخوردارند، این انتخابات فرمایشی، رسوا و زورگرا شکل فاطمی شبیه در صفحه ۱۸

انتخابات مفتوح و رسوائی ریاست جمهوری وعدم استقبال مردم و تحریم عملی آن، در مقالات دیگری مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله ما از روی ارقام منتشره توسط دولت بررسی نحوه شرکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در تهران می پردازیم. این -

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد